

فيلم و هنر

شماره ۴۰۴ - پنجشنبه ۳۰ مهر ماه ۱۳۵۱ - همراه با دو تابلوی رنگی - ۱۵ ریال





همه مسئولان امر، هنرمندان، تهیه‌کنندگان، روزنامه نویسیا، منتقدین و تماشاگران فیلمهای هنری این مطلب را بخوانند

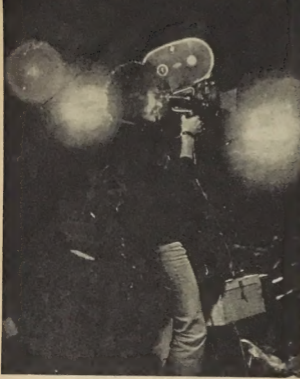
پس چشمه کو؟

«باربد طاهری» تهیه‌کننده فیلم «رگبار» بازداشت شد.

اینست سرانجام تهیه آثار برتر و فیلمهای هنری در کشور ایران

زمان، زمانه بندیها و کزیها است نه نیکيها. ساهاها بود که سکوت و باک نواختی محیط سینمای ایران را در خود گرفته بود اکران سینماهای کشور در طویل فیلمهای بازاری و جهوی فرار گرفته بود، نه چرفهای که بتواند توانی دهد، کسی را و نه آنسی که تماشاگر واقعی فیلم در بر تو آن جان خود را گرمی و توانی بخند. سکوت بود و سیاهی، تباهی بود و نمایش فکرای سخیف و ابانه، همه در انتظار معجزهای بودند، سینمای ایران یک تحول

● بر آرزوی از دست رفتن غیبه نخواهد خورد، زیرا اینان لشکرانان ملو از حرف است. کلمات بازیچه‌اند و دیوار کاه گلی را گچ اندود میکند، تالاشها غنات است، فریادها در گلو میماند و بجای انک خنده، انک گریه دیدگانمان را می‌آزارد. در بوج یک بیهودگی دست و پا می‌زنیم و دلمان خوش است که هوای تازه ای نفس می‌دیم اما کدام نفس، لذت شیرین شدن را دوست داریم و تنوع «خوب» بودن را، اما زمانه ما را وادار می‌کند که «بد» باشیم، گویی این



● «باربد طاهری» تهیه‌کننده و فیلمبردار جوانی که پادشاه درستی را به‌طور گرفته است!

کرد. نخست فستیوال جهانی فیلم تهران را به‌صرف خود درآورد و فریاد تحسین هشت داوران مستندین خارجی را برانگیخت و سپس آقای ستارگرا را مستندین فیلم ایرانی را، نمایش عمومی آن هر چند نواکست سرمایه‌ای را که در این راه تکار افتاده بود بازگرداند اما نوبت این امید او که لاف‌باز تا نیتدهای همه جانبه‌ی فاجعه گردد. سندیکنان هنرمندان فیلم ایرانی تنها بی‌کسب‌ترین جلیقت‌فاجعت کرد آهم پس از توفیق فیلم در فستیوال تهران و اتحادیه صنایع فیلم ملی ایران نیز جایز دالمت سکوت کد و شاید هم این دو تکنیکات چاره‌ای جز این نداشتند. اما چشم‌ها همه متوجه وزارت فرهنگ و هنر بود تا نایب از طرفی نگذارد که این تهیه‌کننده جوان در آلودگی‌های مادی حاصل از دو فیلم غرق شود. باربد طاهری سخت تلاش کرد اما این تلاش‌هاست بود، مشکلاتی او همه قبل از او را به علت عدم انعام تعهدات مالیاتی بازداشت کردند و بدین ترتیب آتش اشتیاق این جوان علاقمند را خاموش کردند اکنون این سوال پیش آمده که سینمای ایران واقعا چه سرانجامی خواهد یافت . پس آنها بودند و ما حرفه‌ها کما رفت و آیا همه مالیاتی که در چند سال اخیر سینمای ایران را در خود گرفت واقعا سرایی‌پیش نبوده است .

تاماگر ایرانی بسینمای تجارتی ایران تعهد می‌زسد و بر آن خط بطلان می‌کشد اما آیا واقعا نتیجه‌ی تهیه فیلم خوب باید چنین باشد . آن‌آنکه موقوفند باید سینمای ایران یک سینمای متحول و امروزی باشد ، اما بجز سکوت کار دیگری دارند که انجام دهند . سرانجام ساختن فیلم های رتر و بالاتر در این ملک گروهی زبانی‌های می‌گرفتن نیتدهای ندارد. از فیلم بهتر و فکشنلتر از «گرگ» هم می‌توان ساخت با نه و یاداش این فداکاری و از خودگذشتگی چه چیزی خواهد بود .

«باربد طاهری» و کارش و سرانجام کارش نشان‌دهنده‌ی تاماگر ایرانی لیافت همان نوازه‌های متحرک را دارد و بسینمای ایران می‌تواند

نماز داشت، یک نیتت جوان-گرایانه که بتواند همه چیز را در هم بریزد و فکرها را تازه و نو جای افکار کهنه و پوسیده را بگیرد در سالهای قبل تلاش آشکارا ، آمیخته‌کننده آغاز شد، اما یکبار کوتاه وانگ بود، زیرا عدم تماشاگر و بازار نواکست باعث دوام باشد، خفت و آینه، خوب نهر، شب‌سوزی رنگ‌های وجود آمدن یک سینمای واقعی در ایران بودند اما قبل از آنکه یک سینمای حرفه‌ای باشند یک سینمای شخصی بحساب می‌آمدند و با سرمایه‌های شخصی ساخته شده بود و همین مسئله سب گردید که نتواند این کار نوامی یابد. مجاهد مستندایزانی و تماشاگر فیهیده ایرانی که جانش از نوازه‌های متحرک ایرانی بلب آمده بود چون نیتدهای در جستجوی چشمه بود، چشمه لایزایی که آب پاک و صاف و گوارای آن نتواند نیتدهای جانشین بدو دهد و افتخار کند که وفتش دارای یک سینمای اصیل و واقعی است و این تحول و نیتت را بالاخره جبر زمان پدید آورد. نیتت که مستندین راستین سینمای کشور برچسب آن بودند و از فکر نو، ایده‌های نو و طرح‌های تازه استقبال کردند . آغاز از سدیوایه و «بیگانه‌ها» بود با «قیصر» و «گاوه» درخشش خویش را آغاز کرد «قیصر» بود تحول آفتمانی جدیدی در سینمای ایران شد و بهینه‌کننده حرفه‌ای همانند که می‌توان سرمایه را بدست جوان داد و بهرورد و «گاوه» که درخشش برچسب‌دارجانی نیتت سینمای ایران شد ، باعث آمد که فیلم ایرانی دروازه‌های فستیوال‌ها را بگشاید و مطبوعات جهان را بنمایش وادارد و این نیتت جوان گرایانه بود که بوج تازه‌ای از فیلم‌سازها را سوی سینمای حرفه‌ای کشاند . اقبال مطبوعات و توجه‌شدن مستندین بکارگردانان جوان و نصیحت و تنویق از این گروه سب گردید جوان‌های تازه‌ای از زیر خاک تیره بروید و نوازه‌های کوچک ریشه بیاورد و محکمتر شود.

«سینما» دیگر از آن حالت مرده و خود خود بدر آمده بود، هفت‌ای نبود که نیروی تازه‌ای بکار نیافتد ، اهمیت مستوازه سلطنتی فیلمهای ایرانی و جنتوارمیس باعث تحرک و دلگرمی بیشتر شد و وزارت فرهنگ و هنر سخت در بوجود آمدن یا بسینمای واقعی در کشور موثر افتاد، اما بهانه این تلاش‌ها، تهیه‌کننده حرفه‌ای نخواست و بایدکنه نواکست این نیتت را بخورد دوباره دنبال کند زیرا هزینه گزاف سرمایه‌ای تهیه فیلم و بازار محدود داخلی وعدم استقبال از آثاری که درروایی غیر ساخته می‌شد سب شد که واقعا این نیتت عقیم درجای خود بایستد و حتی در بعضی موارد هرگز رود، اما با اینحال آنها که بسینما عشق می‌ورزیدند و می‌بخواستند محیطی سالم بوجود آورند و تماشاگر ایرانی مفهوم واقعی فیلم و سینمای امروز را نیتت‌هاند ، در زمان غبار بی‌استقامتی برقرار نیتتند و خود با سرمایه‌ای اندک خویش کار را آغاز کردند شاید که در این راه ایمان داشتند ، مسائل از جنبه «حرف» دیگر گفته است و مسئله «فصل» مطرح است. برای آنان نفس کار مطرح بود نه سود و زیان ، آنان بی‌مسئولیتی که لاف‌باز بازار نتواند بازده سرمایه آنان گردد که بتواند با داده‌ی کار خویش تماشاگر را با خود بدبال کند و بنامید روزهای خوش آینده پایه‌ساز یک سینمای متحرک و متحول امروزی باشد، چه تصور می‌کردند که اگر ازسوی کارهای آنان دچار اشتغال گردد، دستگاه‌های مسئول پشت و پناه آنان خواهد بود و نیروی پایداری بدانها خواهد داد اما واقعا تا فوآور هفت گذشته بر همه این مسائل خط بطلان کشید .

«باربد طاهری» تهیه‌کننده جوان سینمای ایران که با اندک دستمایه خویش کماحتمال کارسازهای بسیار بود، در سخت‌ترین شرایط دشوارحافظه رفیق را تهیه کرد و سپس «گرگ» را . خدا حافظ رفیق را دو طرف مجبور ماند ، نخست آنکه بخش کندنیتتت فیلمبردارش حساب سازی کرد و معذاری بسیار او را دچار زبان مالی کرد و سپس «گرگ» را او بود که چون رگباری تند، هوای نامالیم سینمای ایران را که آلودگی بسیار داشت، مالموثره ساخت. «گرگ» برعکس-گران ناشناسی که داشت چون گوه‌ی تاباک درختین آغاز



رویدادها

اکران جهنم + من

● هم‌اکنون آنوس «سونه» فیلم جهنم باضافه من در گسروه نیاکارا، میامی ... نمایش داده میشود و نمایش عمومی این فیلم از عید فطر در گروه مزبور آغاز خواهد شد در جهنم باضافه من که تایید شده بود سینما شهر فرتک نیز آنرا نمایش خواهد داد ولی این گفته تأیید نشده «فرین» پوری مانی، فرانسه ناپیدی، شیرانسانی، دازیب، عیدی، کهنوش، تهرانجی مسور جهانشاه، عواجوی و داود رشیدی» شرکت دارند. این فیلم محصولی از فرودین فیلم است که طریقت‌رنگی توسط مطعی عالمیان درواحیم فیلسرداری شده و برای آن مرتضی حنانه روزیک متن ساخته است.

تقریر در جنوب

● باانتخاب هریشگان‌فیلم تازه ناصر تقوایی، موسوم به «تقریر» وی این هفته جهت تعیین محل‌های فیلسرداری آن به جنوب سفر کرده است. کارچه رودت برای شروع آن همراه اکیب بدانسوب برود در تقریر که محصولی است از شرکت سهامی سینما تازر رگس و توسط نمت حقیقی فیلسرداری میشود. هرروز وتوقی، فخری حوروش، کهنوش و جشید مناشی شرکت دارند.

عاصی در شهرضا

● کلیه مقدمات تهیه محصول تازه تینا فیلم موسوم به «عاصی» فراهم گردیده و این فیلم برحرح که سازشیت و کارگردان آن جلال مهربان و فیلسداریش مطعی، عالمیان است تا پنجم آبادانها



● «کهنوش» در صحنای از فیلم «نی‌تا» ساخته «الیزیر درواحیم» که قرار است بعد از فیلم «سینجی» نمایش داده شود.

برای تهر شای اسفهان جلوی دوربین خواهد رفت در عاصی که ولی‌الله خاکدان دکوراتور قدیمی برای آن مانده و دکورهای جالبی مرکب از آرایه، قفله در محل فیلم برداری ساخته است ناصر ملک مطعی: پوری‌مانی و منوچهر وتوق رهائی اصلی را بهمدارند.

پستی بعد از تعطیلات ماه رمضان

● نمایش فیلم «پستی» بعد از تعطیلات ماه مبارک رمضان در سینما کاپری آغاز خواهند مهدی میتاقی به نظر داشت قبل از نمایش پستی یکی از دو فیلم خشت و آینه و بیگانه یا را در سینما کاپری نمایش دهد ولی به‌علی از این کار منصرف شد و نمایش بلوچ را ادامه خواهد داد. در خشت‌وآینه که چند سال قبل در سینما رادیو-سیتی نمایش داده شده ذکرمانشی تاجی احمدی و جلال مقدم شرکت دارند و سازندگی آن ابراهیم گلستان است و در بیگانه یا که اولین کار محمود کیمیائی است هرروز وتوق ماریناتر، جلال و فرح ساجدی شرکت دارند.

فیلم‌های پارس فیلم

● در استودیو پارس فیلم‌ها اکنون فیلم‌های آبنات چوبی سا شرکت منوچهر وتوق، پوری کرائی، جشید مناشی، فرح ساجدی و جشید مهرداد، غنیه باشرکت ایلوش، وجشتا، زاله، رخساری، میری و جشید مهرداد، اسیر با شرکت مه‌الدین، نازی، و هابون و جشید مهرداد، جنگجویان کوچولو باشرکت ایلوش، وجشتا، کرستین پاترسون، پینتار، پیمان مریم و جشید مهرداد و مرحوم متحرک باشرکت وحدت، وجشتا و رضا کریم‌رضائی آماده نمایش میباشد و از این هفته تهیه فیلم سرچوچه جبار باشرکت فرین، محسن‌مهدوی جشید مهرداد و عدای چهره جدید جلوی دوربین رفته است. در پارس فیلم پروژه تهیه چند فیلم تازه طرح‌ریزی شده که در شماره‌های آینده در مورد این فیلم‌ها اطلاعات لایزرا درج خواهیم کرد.

پنج مرد جهنمی

● ذکرمانشی که ناکون

فیلم‌های سفاک و زن باکسر را ساخته است ساریوی تازمانی نوشته موسوم به «پنج مرد جهنمی» که قرار است از روی آن فیلمی برای آس فیلم بسازد. هاشمی بعد از مراجعت از جنوب که به‌خاطر بازی در فیلم تعقیب بدانسوب خواهد رفت کارگردانی فیلم «پنج مرد جهنمی» را که هنوز هریشگان انتخاب نکرده‌اند آغاز میکنند.

در جهنم منتظر من باش

● یکی از کارمندان تلویزیون ملی ایران در نظر دارد فیلمی سینمائی بسازد بنام «در جهنم منتظر من باش» که برای ایفای نقش‌های اصلی آن پوری کرائی، لیلی، پیمان وعدای دیگر انتخاب شده‌اند. نام سایر هریشگان و کادر سازندگی این فیلم را در شماره‌های آینده به اطلاع خواهیم رساند.

بازی در صحنه‌های باقیمانده

● ناصر ملک مطعی هم‌اکنون مشغول بازی در صحنه‌های باقیمانده فیلم‌ردان خلیج است وی قرار بود یکشنبه این هفته برای بازی در یک صحنه از فیلم ناخدا آبادان‌برود که به‌صویق افتاد. ملک مطعی، قراردادی با سازمان سینمائی زورک دارد که به‌سویق آن میبایست در مه‌رام در محصول تازه این سازمان شرکت نماید ولی هنوز تهیه این فیلم آغاز نشده است و چون باید پنجم آبان ماه نیز برای بازی در فیلم عاصی به‌شهرضا برود بنابراین معلوم نیست وضعیت قراردادهای چه خواهد شد.

منار جهنم

● امیرشروان که این هفته کارگردانی فیلم ناخدا محصول شرکت سهامی سینما تازر رگس را پایان رساند بزودی کارگردانی فیلم منار جهنم را در استودیو تخت جشید آغاز خواهد کرد. نقش اصلی این فیلم را که تهیه کننده آن جشید مناشی است و توسط شکرالله رفیعی فیلسرداری خواهد شد ارحام صدر بازی می‌کند و سازندگان آن برای فیلم برداری آن به‌اسفهان خواهند رفت.



زن باکوره در چه حال است؟

● دکری هاشمی (سازنده فیلم هاروق به قاب) امروز هاجت سرگرم آماده نمودن فیلم «زن باکوره» میباید زیرا طبق قراردادی که تهیه کنندگان این فیلم با گروه نمایش دهنده آن منعقد کرده‌اند، قرار است این فیلم بعد از برنامه عید فجر به روی اکران آید. در زن باکوره که در واقع دومین تجربه هاشمی در زمینه فیلم‌نویسی است از آن فیلم و فیلمبرداری آنرا ابریح صادقیور انجام داده است که در آن موجهر وثوق، کارین اسکوتی، اربتوان، فخریزاده، بهرام وطن پرست، گرجی و مرتضی عقیلی شرکت دارند. برای زن باکوره «افشندپار مفرزاده» موزیک متن ساخته است که طی چند روز آینده ضبط خواهد شد. دکری هاشمی بعد از آماده شدن زن باکوره و بازی در فیلم «تفریه و ملاء» از بهرام بیضایی خود از روی سناریوی «بج سردچینی» فیلمی برای آن فیلم خواهد ساخت.

جاسم

● نام فیلم تازه محمدرضا فاضلی از خندق به «جاسم» تبدیل شد. در این فیلم که با کارگردانی فاضلی ساخته میشود فاضلی، حسن مفیده، شهناز تهرانی و جشید متاخر شرکت دارند. جاسم محصولی است از کوروش فیلم که فاضلی مستقلاً برای خودش تهیه مینماید. کمال دانش نیز قرار است فیلمی مستقلی در سازمان سینمایی کوروش بازاره که هنوز هنرپیشگان آن بدرستی انتخاب نشده‌اند.

عیدفطر گروه آسیا

● با انتخاب فیلم «جنت» اضافه من برای نمایش در عید فطر گروه نیاکارا اکنون معلوم نیست گروه آسیا در عید فطر چندیلی را نمایش خواهد داد. از جمله فیلمهایی که کنته میشود ممکن است در عید فطر گروه مزبور نمایش دهد فیلم «همیشه قهرمان» محصول فیلمکو فیلم است که با کارگردانی عزیرالله

بهادری توسط پرتو فیلمبرداری شده و در آن بیژان ایلانوردی، مرجان، هایک وحیدی شرکت دارند.

صحرائی

● محمود کیمیایی بعد از اتمام فیلم «بلوغ» چند سناریو به اداره کل نگارشات فرستاده که تمام آنها از طرف بررسیهای این اداره رد شده است. آخرین سناریویی که کیمیایی برای تصویب جهت شروع فیلمبرداری از آن به اداره نگارشات فرستاده است «صحرائی» نامداره که گویا این سناریو از طرف بررسیهای اداره نگارشات برای فیلمبرداری هنوز به تصویب نرسیده است.

استوار و یاسان بعد از ماه رمضان

● محصول آماده نمایش استودیو عصر طلایی موسوم به استوار و یاسان بعد از ماه رمضان به روی اکران خواهد آمد. در این فیلم که با کارگردانی نظام‌الملکی

توسط ابراهیم دیلمانی فیلمبرداری شده عبدالعلی همایون، حسین حسینی، بهارک، شهرزاد رامین و مرتضی عقیلی شرکت دارند. در استودیو عصر طلایی هم اکنون فیلمهای علی کنکوری، مردان خلیج و تبیع آفتاب نیز در دست

سازش و انتظامی

● محمد منوچاری که قرار است در فاصله شروع فیلمبرداری محصول استودیو عصر طلایی برای لقا ورق بریزد



● «یوری بانلی» در صحنای از فیلم «جهنم + من» ساختاری «فردی» که در عید فطر نمایش داده خواهد شد.



پارس فیلم کارگردانی فیلم «سازش» را انجام دهد. سازگاری با شرایط تازه نظامی، پهل آوردن است تا عهده دار ایضاً نقش اصلی این فیلم گردد. هنوز از نتیجه‌ی این مذاکرات اطلاع دقیقی در دست نیست. در فیلمی که متوسلانی برای عسر ملائی خواهد ساخت فریدین ایماگر نقش اصلی است.

معنوفه

● رسا سفالی قراردادی با ساموئل خاچیکیان منعقد کرده‌است تا پوچب آن فیلمی بنام «معنوفه» را در آذربایجان کارگردانی نماید. احتمالاً در این فیلم که سازویی آرا حبیب‌الله کسائی نوشته‌است، یمن مفید، مرجان، میسری، هایرون اشکان و ایرین نقشای اصلی را بازی خواهند کرد.

سینما نیاکرا و فریدین

● بعد از انتشار شماره گنته صفحه مطلع شدیم که سینما نیاکرا را «فریدین» در تنهایی خریداری کرده و «مهندس کارگر» یا او در خرید این سینما سهیم نباشند.

کادری «آگل» بهم خورد

● محلی تهیه فیلم آگل که قرار بود با شرکت سینماداد توسط علی‌رضا زین‌ت فیلمبرداری شود این کادر هم دوره و بهای سعید راد هزینه دیگری و بهای زین‌ت فیلمبرداری دیگری آرا فیلم برداری خواهد کرد. سازش و کارگردان آگل ناصر محمدی و تهیه کنندگان خواهد مقدم است.

تعلیق و شیرازی

● احمد شیرازی برای فیلم برداری محصول تازه‌ی آس فیلم‌سوم به «تعلیق» برگزیده شد و عهده گشته همراه احمد هاشمی‌سازش و کارگردان آن به جنوب رفت تا مملوهای فیلمبرداری را تعیین نماید در تعلیق که از اوایل آبان ماه حاوی دوربین خواهد رفت. سینماداد، نوری کسائی، مرئضی و نظیر و دکریا هاشمی شرکت دارند.

مونتاز ناخدا

● مازار برنو هراکون در استودیو حالت فیلم سرگرم مونتاز فیلم «بامضا» محصول شرکت

آخرین خبرها

● فیلم تازه ژورک که قرار بود در این هفته آغاز شود بخاطر گرفتاری پیک ایماوردی که ابتک متعطل بازی در فیلم بندری است متعطل شد به اوایل آبانماه. در فیلم تازه ژورک که سازویی آرا فریدون گه نوشته است ناصر شاه‌نصیبی و پیک ایماوردی نقشهای اصلی را بازی می‌کنند. نام فیلم و سایر بازیگران آرا در شماره آینده درج می‌نمایند.

● فیلم کاکلری طی یک هفته حدود ۱۵۰ هزار تومان، سرکار منتظر کسی به روز ۳۷۰ هزار تومان و فناه طی سه روز یکصد و ده هزار تومان فروش نکرده‌اند. جمع فروش فیلم‌بخت سفید ۱۲۰ هزار تومان، مرد ۸۵۰ هزار تومان و خردجال ۶۵۰ هزار تومان شده است.

● احتمالاً برنامه عبد شکر گروه آسیا فیلم سعد و فولادزده دیو کار تازه جلال مقدم خواهد بود. این هفته نایب بود که گروه بزور منگن استیلم هیئت نظارت را در دیدن نظر نایش دهد. ویسی نایب شد که سعد و فولادزده دیو را نایش میدهند.

ولی تا آخرین ساعاتی که مملوهای صفحه سه سینما برنامه عبد شکر این گروه صد درصد انتخاب نشده بود.

● فیلم «عنه» محصول استودیو آری از اداره کل امور سینمایی کشور برنامه نایش در بخت نمود و روزی بروی اکران خواهد آمد. در این فیلم که سازش آن ناصر رفعت است یولمار، مرجان، علی‌نایش، محمد بانکی، فرشته عیان، کهنولی، فرخ‌لقا هوشمند، ابراهیم فطاح و یسمن شرکت دارند.

● «نصرو هرنش» باغیبری که در کادر بازیگران فیلم «بامضا» ظاهر باشند، عمل آورده است، فیلمبرداری فیلم اخیر را در همین ماه با شرکت فریدین، مجدداً آغاز خواهد کرد.

عبدالعلی هاشور» در صحنه‌ای از فیلم «استاروبلبان»

برد بخاطر گرفتاری «سیماک دولشاهی» که جهت امر نظامی و وظیفه‌اش پیش آمد نتوانست خام معلم را شروع کند.

فیلمبرداری مجدد

● فیلم‌تجاوز ساخته حمید امیناکی که در نخستین فتیوال تهران نیز نمایش داده شد با نظر تهیه کنندگان تغییراتی در آن داده شد و علیرضا زین‌ت طی دو هفته گذشته سه‌ماهه‌ای برای آن فیلمبرداری نمود. در تجاوز که محصولی است از شرکت هاشمی سینما تئاتر رکس داود رشیدی، آفرین، منوچهر فریده، بهزاد فراغانی، رسا کرم‌رضائی و عسماوی دیگر شرکت دارند.

بقیه در صفحه ۳۷

گرافیک اسکرین سیلکو
بزرگترین مرکز تهیه آفیش و چاپ پلاکات

۳۳۷۸۹۱-۲

حیات آباد مهر کاج حیات پنجم میدان فتح

سر يك تلوح شده

● يك ايستوری كشت
در فوهر سرگرم بازی نو فیلم
بندری است بهمان مراجعت به
تهران باید در فیلمهای گروهان
از رضا صفایی . گدای میلیون
بفیه ترمصه ۲۷

اوا خاك عالم ! و درسر ...



● امرالله ماری که یکی از
هریستگان خوب شان وتولویون
است و برای اولین بار بافیاض
نقش «اوا خاك عالم» ، در فیلم
تلوح سكار بازی درفیلمهای ابراس
نیز روآورده است هانفنگه بازی
دراین فیلم برایش موفقیت داشته
حاضرند هم برایش تولید برترس و
مراجعت نموده استاز ابراهیم
که این فیلم بهروی ایران آمده
حس دوستان و بریدگان او (وحالا
سایرین های خود دارند) هروف
ساری را می بیند **براختیار ما**
حرکات خصوصی میگوید

- اوا تو چه خوبی
از ماری برای ترک در
چند فیلم تازه منجمله «دختر شهر
بازن» دعوت شده است

حالی آنچه در فیلم است لغت
کنشنامه هیچگونه اعتراض از
این باب به تهیه کنندگان نگرد
است.

گرفتاری تازه دولشاهی

● سیامک دولشاهی بعد از
اختلالی که ما خسرو هرنشان بینا
نمود تصمیم گرفت دعوت فیلمبران
را برای بازی در فیلمهای ابراس
بپذیره و حتی مذاکره با عباس
شاپورز بصل آورد تا درفیلم «خام
ملمه» بازی نماید ولی قبل ازآنکه
بازی دراین فیلم و با فیلمهای دیگر
را آغاز نماید در طرف اداره نظام
وطنه مومس برای حجت در زیر
برچم اخبار شد و همین خاطر
توانست بازی در فیلمی را آغاز
نماید.

قراردیهای تازه گرمی

● سرت گرمی که این هفته
کارگردانی فیلم تحت خواب سه
ناله را با یابان خواهد رساند و
حیاکون نیز مشغول بازی در فیلم
خیاواژ میباشد قراردادها با تینا
فیلم منعقد نموده است او در فیلمی
که قرار است رضا میروسی
استارسی فیلمهای تیلی و سرکار
خضراء برای تینا فیلم بازی
نماید این فیلم را که هنوز نام آن
تعیین نشده ایرج صادقور فیلمه
برداري خواهد کرد همچنین گرمی
قراردادی نیز با شرکت جهان
سینما نتاز رکن منعقد کرده است
تا بموجب آن درفیلمی که خود برای
این شرکت خواهد ساخت نقش اصلی
را بازی نماید

فیلمی از فریتز لانگ درتلوار

● ادو وریای شاکمطرقه
(بازرگت دادآندوز و حیون
فوتین) فیلمی است از دستزین
لانگ که سیج جمله ساعت ۹ وربع
در سینما تلوار از جانب «للاش»
فیلم» به نمایش درخواهد آمد.
«للاش فیلم» از این پس در
«سینما تلوار» برنامه سازانمای
خواهد داد.

کاربرها تعطیل میباشد و درفیلمه
هرمدانی که در کاربرها برنامه
دارند بیکار میشوند آنها را به این
نکر برسانند که از فرصت استفاده
نموده و برای استراحت واحیاناً
اعزای برنامه در خارج کشور به
سافرت روند.
از جمله هرمدانی که امسال
از این فرصت استفاده نموده و در
ماه رمضان به خارج رفتند کمین
حای معروف «برادران رسول»
میباشد که این هفته به آمریکا
سفر نموده. برادران رسول ضس
استراحت در آمریکا متکثر است
برای ایرانیان مقیم آنجا نیز برنامه
عالی اجرا نمایند.

مرحان انتزاعی ندارند !!

● در میان ستارگان فیلمهای
ایراس که تاکنون از ترموی نقش
آفیش و پلاکاردهای فیلمهایشان
به تهیه کنندگان اعتراض نگردیده
است فقط میتوان مرحان را نام
برد.
تاکنون بارها پوری پاشی ،
زاهه ساه و تعدادی دیگر از ستارگان
فیلمهای ایرانی خاطر آنکه مخالف
سحنهای فیلم که در آنها لغت
شمنامه ولی در آفیشها شکهای
آنها را لغت نقش کرده اند به
تهیه کنندگان اعتراض کرده اند ولی
مرحان با آنکه شکهای او را بر

«نورین و یزدوم» به تهران
می آید

● بروز حجازی ملنگ کارگر
شکوه تو ترسفر اخیر خود به
اروپا بارهنگر باکمدین معسوف
انگلستان «نورین و یزدوم» قراردادی
منعقد کرده است که از چند نظر
اصال برای اجرای برنامه عالی در
شکوه به تهران میباشد .
نورین و یزدوم دو سال قبلتر
باعتون حجازی مدتی در شکوه تو
برنامه اجرا نمود که براندازه
مورد توجه قرار گرفت و همین
خاطر حجازی مترشد بود تا در
پاک فرست او را برای اجرای برنامه
به تهران دعوت نماید.
سوسن به آمریکا رفت

● سوسن خواننده مورد توجه
مردم دوشه این هفته بدعوت کارگر
عصرهای نیویورک جهت اجرای
برنامه عالی به آمریکا سفر نمود.
خبر مسافرت سوسن را برای اولین
بار ما چند شماره قبل چاپ نموده
بودیم . دراین سفر هنگام برداشتی
سوسن «امیر بازگسی» منوجهر
گودزی و سیروس موثقی نیز
همراه او هستند.

برادران رسولی هم رفتند

● در ماه رمضان که اکثر

سومین نمایش مد گلبنگ در هتل هیلتون

● حبه هفته گذشته سومین نمایش فتوال مد از طرف موسسه
گلبنگ در سالن رومال هیلتون تهران با تیرگ بیش از شصت نفر
از علاقمندان طرحهای جدید برگزار شد. در این نمایش مد طرح
جالبی از گروه تولیدی ممتاز واهانگو و همچنین متنوعی
سوکلی ، میس و نالار غروب ارائه گردید که مورد توجه حاضر
قرار گرفت.

طرح مد راهه از لوتیک میس که توسط خانم «مبین فر
دانش» عرضه شده بود و همچنین طرحهای نالار غروب از خانم راهه
حاضر و آرایش سوکلی از خانم هاشان از طرحهایی بودند که بیش
از سایر طرحهای عرضه شده مورد استقبال قرار گرفت.
خانم مبین فر دانش که با عرضه طرح راهه کارش مورد توجه قرار
گرفت از طراحان خارج دیند می باشد که همواره کارهایش مورد
توجه علاقمندان منهای تازه فرامیگردد.

یادداشتها

۸ میلیمتریها و ۸ میلیمتریها



در این شماره بحث طلسی گزارشگونه هست راجع به چهارمین جشنواره سینمای آزاد که این باره کترین مرتک نوشتن آن شده است. غرض آنکه یکی از رفقا این مطلب را قبل از آنکه بسته چاپخانه فرستاده شود خواند و به من گفت درباره این فیلمهای ۸

میلیمتری طوری نوشتاری که انگار ایضا شاهکار های بی چون و چرای تاریخ سینما هستند!

تو است من البته - گرچه اندکی به الحاح - اما بهرحال راست می گفت خود منم موقع نوشتن این مطلب - احساس می - کردم که در مورد معنی از فیلمها دارم ارزشهایی بیش از آنچه که واقعا دارند، قائل می شوم. ومع الوصف چنین نوشتن چسرا که کوششهای ناشناخته آثار هنرهای سینمای آزاد، مرا سرخوش آورده بود و می خواستم به نحوی سیاهنگوی آن ها سه سه جاک و اشتیاق آنان برای یک سینمای پاک و سالم نامم.

اما این بهرحال مانع از آن نمی شود که من به عنوان پیشگامی نویسنده پنج، شش ساله به استمن و تقویت انتزاعی گم که من و دوستانم از جریان واقعی سینمای روز دنیا بیخبریم و در چنین شرایطی بسیار طبیعی خواهد بود که ما فی المثل یک فیلم فقط «حوب» و یا حتی «شگفتی» را چیزی چون یک شاهکار بدانیم و این با سلیقه ها و سلیقه های اولیه ما و برداشتهای و تخیلی های تقریباً گمنام شده ما است. ما سلیقه ها، سلیقه هایی که در طول سالها - نظیرم آنکه خود سینما دستخوش تحولات و دگرگونیهای فراوان بوده است کترین تغییر می پذیرفته اند و فی المثل اینک عبارتهای ما برای ارزیابی یک فیلم حتی امروز با همه عناصر و عوامل تاریخی کردمان درآمیخته اند. احتمالا همان عبارتهای است که برای ارزیابی کلاسیکهای دهه های سی و چهل هجرت آن بهره گرفته بود. این گریز ناخودآگاه است چرا که ما همیشه از جریانهای روز سینما با آنکه یکی می خور بودیم و با آنکه تلف ما اندامیم و طبیعی است که فرضهای ماسی نیز برای تغییر دادند و با اصطلاح عبارتهایمان نداشته ایم.

برای نمونه ما از سینمای روز زمینی «الکترواوا» هیچ نمیدانیم از سینمای هزار و نوزدهم «سینما» هیچ نمیدانیم. از سینمای سیاسی «گرمس مارگر» بی خبر شدیم، اما هیچ نمیدانیم. کارهای انقلابی «توبان ماکلو» را دوست داریم ببینیم، اما نمی توانیم، کسی نشانی نمی دهد. و بنا بر این ماجرا گوییم می توانیم همی بی طرفت هر روز سینما در دنیا. برداشتهای خود سانسور کنیم و عبارتهایمان را با شرایط سینمای روز اشتقاق دهیم تا در مرحله بعد نخواهیم گفته است ما هم توانیم بهر ای در دانش افروزم ما برگرد ! تازه این فقط یک روی تر از این است. سه ساله دره انگیزتر آنکه ما می توانیم نسخه های کامل و دست نخورده همین فیلمهای را هم که در اینجا اجازه نمایش می یابند ببینیم. نگاه کنید به این

فیلمهای روی پرده. از «سنگهای یونانی» بکنیم تا فرتوت سه ده دقیقه آن را در آورده اند. این فیلمی است که به تجربه ای هراس انگیز در خلوت شهرت یافته و مصلحتن اجتنابی ما دقیقاً همان صحنه های «طوق حش» فیلم را در آورده اند که ما با زهره ترک شویم ۱ و با نگاه کنید به فیلمی مثل «نظام و انحراف» که یک سکانس پنج شش دقیقه ای هستری از «نیک و فوق سکی» بین «لوران کلاک» و «جان سیر» دارد و شهرت قبلیش بدون همین صحنه است و اما ما از این صحنه فقط سرزنش را می بینیم و چهار، پنج دقیقه اش مشمول انتقادی قبلی ما سانسور شده است ۱ و حالا برای آنکه بهتر بدانید که ما به چه گلیتی در جریان سینمای روز دنیا هستیم، نگاه کنید به برنامه های آینده سینما ها. تاریخ جنگ جهانی دوم و اینها جنگ جهانی اول را - سو به سو و جزء به جزء - و با هزار جور فر و افکار سینمایی، بیکار آمریکاییا برامان ورزیدند و حالا گویا نوبت روسها شده است که «بر پرده وسع و خیره کننده ۷۰ میلیمتری» و صد البته تا صدای استریو فونیک، تاریخ جنگ جهانی دوم را برامان باز گویند. اول «آزادی» را داشتیم و حالا هم دنباله های دوم و سوم آرا وقتیم. ۷۰ میلیمتری هایمان ایضا باشد. آمد واقعا حق دارد که بحث پلان از آن ۸ میلیمتری های صمیمی را رده های فیلم از این دست ترجیح دهد.

«جستید آگرمی»

ابتدال فیلمهای تبلیغاتی

فیلم های تبلیغاتی در این ملک بدون توجه به هدفی که فیلم باید بخاطر دستیابی به آن هدف ویر آورده شدت نسبت های مادی آن ساخته شود، عرضه می گردند.

در این برهه بود همساحان کالا های تبلیغاتی و هم سازندگان این نوع فیلمها متضرر هستند.



آیند روی کالای تبلیغ می کنند که قبلا ترده صرف کنند امتحان خودش را داده - حالا این امتحان می خواهد، خواه با شایستگی توأم باشد، خواه نیز احتیاجات ضروری اش را با آن برطرف میکند. فی المثل برای جوراب پلان اخیرا مبلغی در حدود ۱۵۰ هزار تومان خرج شد که این تبلیغ بی بهره بود، این از حتی یکی از مطلع ترین تبلیغاتی های این سنگت قبول دارد.

سازندگان فیلم های تبلیغاتی نیز چون باید هدف و سلیقه سفارش دهنده را رعایت کنند. لاجرم بعضی پیش می آید که ناخفشار، مستدل و یکپارچه می شود با آن نام داد.

از سوی دیگر در سانسور این فیلم های تبلیغاتی حتی درهای ذوق و طرافتن و فکر بکار برده نمی شود.

برای تبلیغ هر کالای، حالا می خواهد، این کالا ساعت «کالوا»

یادداشتها

هفت ماهی «دنیای دیگری از سینما» که قبلاً فقط شرح آنها را خوانده بودم، برای من گشود و چهره سینما را بر این عرصه گرد و این فرصتی بود تا من خودم را از این نظر بنظر آری کنم.

در آن زمان، نسبت به امروز سینما در این کشور بهرگز و بهمان نسبت علاقمندان جدی هم کمتر بود. و سال‌ها قارایی را بیشتر ضایع هر و اند پسر میکردند که امروزه یعنی آنها دیگر در میان نیستند و غیبه هم خود را از برنامه های کانون - فارغ التحصیل نموده اند و چنگشکوه و لثانی داشت در کنار این افراد فیلم دیدند. نگاریم، پس از مدتی که نماینده ارسال کارهای من قطع شد، و با اینکه مدیر محله آنها را به دوستان بهتر از ما می برد، من مجبور شدم برای استفاده از فیلمها، به عضویت کانون فیلم در آیدم و تا امروز بیش از ۱۴ سال است که من در جریان برنامه های کانون بوده و همین وجهی که از این نظر احساس شکر نمی کنم چون برنامه های کانون بیشتر اوقات شریک تر از لحاظ زانگه گردا بر کرده است و من همیشه از این لحاظ نسبت به آن احساس شکر می کنم.

... و حالا وضع کانون - که خود را آرشو فیلم می نامند - از همه نظر بآن زمان تفاوت نداشته است. سال‌ها مجری برای نمایش در اختیار دارد و دیگر فرم نمی بندد که برای فرار از گرمای تابستانها، صندلی ها را در حیاط بچیند و نمایش فیلم را در فضای باز برگزار نماید و یاد دیگر رستخا صندلی های کنار بخاری بیشتر نیستند و آپارات نو و مجریش دیگر دائم فیلمها را پاره پاره نمی کند. صندلی های سخت و چهره چوبی، جای خود را به صندلی های نرم و راحتی داده است و اتصاف به نسبت زیادتر شده اند و بهرطور دیگر آقای «فرخ غفاری» احساسی نمی کند که قبل از شروع فیلم به توضیحاتی درباره آن دهف نابذ فکر می کند که سطح سواد انشاء بالا رفته و دیگر احساسی ساین سخنراها ندارند.

بهر حال کانون امروزه موقعیت مستحکمی دارد و این حسای خوبی است چون فعالیت های این سازمان کوچک هسته حسای سازنده و دینور از طابع و اثرات متداول و رایج بوده است و بهرطرف از همه است. برداشت های طوری بود که روشنگر نماها نتوانستند در آن زمان و وقت نمایند. با همه این احوال باز نمی توانیم متوقع باشیم چرا که کانون همیشه بیش از آنچه که انتظار داشتیم نموده است پس من فکر می کنم که حق داریم از کانون فیلم - با آرشو فیلم - بخواهیم که بیشتر ما را در جریان سینمای روز دنیا قرار دهد. ... چند هفته ای است که فستیوالی از فیلمهای «اکسرو کوروساوا» فیلم ساز نامدار جهان ترتیب داده و این یکی از اقدامات واقعا درخشان و باشکوه کانون است که خاطرات سالهای اول که فعالیتش را زنده می کند. منتظریم به نظر این فستیوال همه آن لحظات خوب.

ایرج صابری

باید با اجای کتابی بیرون، از یک حالت و فرم استفاده نمود. یعنی بدون این که لازم باشد، کتابچه آنگوشی، یک زن را در حال گریه و زرقش تکلیف از در معرض دید خلقا نگه دارند و مثلا در مورد نوع ناست یک فیلم بیانی ندارد می بیند، بدون این که اصلا احتیاجی به این «تکس» بهجود باشد!

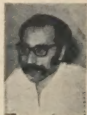
آخر برادر! برای تبلیغ کتابی ... احتیاج نداری که «مغز» فلان زن را نشان دهی. اگر فکر می کنی ستوانی از صلاح «تکس» برای جلب توجه بیشتر تماشاگران و صرف کنندگان استفاده کنی، آتشا کرده ای، چون این طریقه تبلیغ بهنجوه روش درستی نیست، بلکه دیدنیا مندل و پرز است.

و متاسفانه این امثال فیلمهای تبلیغاتی همه جا فرا گرفته از تفریوون نگیر تا سینما، اینست های نمایشی - منظوم فیلمهای تبلیغاتی است - که عقل را می سوزند و چشم را قرص می دهد. حالا دیگر اما ن همه را برنده است. برای مبارزه با این امثال، عدالتنه جر نوشتن و نیاز هم نوشتن و توضیح دادن کار دیگری از دست ما خارج نیست. فقط جدا کند سازندگان فیلم های تبلیغاتی رعایت نکاتی را بنماید و فیلمهایمان را با توجه به هدف کلاسی که روش تبلیغ می شود، سازند و از امثال رایج آن جلوگیری بعمل آورند و با لاف و متوسلین در این زمینه به سازندگان این نوع فیلمها توضیح دهند. عیار و ضابطه های قائل شوند و خود سناها نیز نوع فیلم را در نظر گرفته و از این باب حتما مسائل را رعایت کنند ...

چشمپندار صیقل

... و میعاد ما در کانون فیلم

● مثل اینکه پانز سال ۲۸ بود که کانون فیلم، کار خود را با نمایش فیلم «کولبریا ناکلی» «الاهوتی» و «سینماهای ایران» ساخته «المنطقی قرآنی» شروع کرد و امروز سیزده سال از آن زمان میگذرد - انگار همیشه قبل بود - خوش گذشت با بد، بهرحال خیلی زود گذشت. در آن وقت کانون، فیلمها



را در سال قارایی و با آپاراتی فراموش و پرسرو صدا که دائم فیلم را هم پاره میکرد، نمایش میدادند چه زمانهای سخت و چه ناستهای طایف فرماتی را ما در این سال گذرانیدیم.

در آن تاریخ من تازه کار سینما نویسی را با «مطبع» است تهران سینمایی» شروع کرده بودم و از کارکنان دولتی که کانون فیلم برای محله ارسال مینمود، استفاده میکردم و باین ترتیب با کانون و طرز کار او آشنا شدم. برای من که رفتن به خارج از کشور جزو اجدادهای روحانی نبود (و هنوز هم هست) برنامه های کانون بسا فیلمهای چون «هنرمندی کبیر» «اندوآزل زولی» «بهر هنرمند»

کرد ... خودکشی او هم که از آن
 مجال های طوعانی است ... این
 دو مطلق قراردادی که داشته ایم
 حقوقان را گرفتند و اوایل شش
 ماه بخش ماهم به میزبان حقوقان
 اضافه شده و بعد سال به سال
 حقوقان بالا می رفته. در ضمن یک
 عسکر پادشاه هم می گرفتند ، به
 اضافه لباس و کفش ... حتی من
 گفتم از لندن برای فریده پالتو
 آوردند. بعد هم خانمان را از نه
 شهر، بخاری ، نزدیک راه آهن
 آوردیم شاهرها و نایبستان کردیم
 که کرایه خانه دهند و وضعیت
 بهتر شود . مسلما اگر بعد از ناپیش
 «آدمک» وضع ما بهتر میگردید ،
 کمک ماهم به فریده و خانواده های
 بیشتر می شد .

ولی فریده و سیامک خیلی
 رویشان زیاد شده بود . و سرسره
 می گشت فروران اینقدر می گیردم
 چرا بگیرم . یا می گفتم من می-
 خواهم کسی بازی کنم . من می-
 دادم که کمک وضع ناچور می-
 شود ... من سال گذشته قبل از رسید
 بعد از اینکه فیلم آدمک از روی
 اکران برداشته شد بنگاه به آمریکا
 رفتم و بنگاه به عید مانده به ایران
 برگشتم . از بنگاه قبل از عید نا
 عید هیچ پیشنهادی به او نشده بود
 تا اینکه شب عید آقای گیلانی آمد
 دفتر ما و گفت که می خواهد آمد
 شیوا را در یک فیلم شرکت دهد.
 من گفتم فریده جوازش است چرا
 او از استفاده می کند. یعنی خود
 من پیشنهاد کردم. بعد هم یک
 خواستنامه رسمی دادم ، ولی
 املا آن فیلم تهیه نشد بعد از رسید
 هم که من دفتر را بستم. یعنی
 کوچکترش کردم و او ماه به ماه
 می آمد و حقوقش را می گرفت و
 می رفت. برای فیلم تارام هم که
 فریده فقط دوسه روز آمد و رفت
 یعنی سیامک با آن کتک بازیهای
 باعث شد او هرروز کتک خورده
 می آمد سرصحنه . می داند که در
 فیلم من ، «رهه ناظر با سرع»
 این دو تقریبا حالت رهه دارند.
 من از چند ماه قبل به سیامک گفتم
 که باید ورزش کند تا بدش برای
 فیلم آماده شود ولی او از پس
 شب زندهداری می گرد لاشر و ضعیف
 شده بود، یا اینکه آلتش به استخر
 رفته بود که بدش دو رنگه سیاه

در روزی که این نوار ضبط می
 شد، خود فریده در خارج از محل
 ضبط داخل اتومبیل نشسته بود و
 از هریاتش عصبانیت می کشید که
 از دست برود.

و اما حرف های هریاتش درباره ی
 فریده صادقانه و سیامک دولتشاهی.

لایدر و ماسر فریده او را به
 عنوان یک دختر بازگه دست من
 سرده بودند و من می نایست مواظف
 او می بودم. علت اصلی بستن آن
 قرارداده ها همین بود . از یکطرف
 سیستم اداره استودیو با مغز
 است که تمام امکانات را برای
 کارسازان ایجاد می کند و تا حتی
 کارهای آنها را در خارج محدود
 می کند . مثلا کسی که در اطراف
 مانت می تواند عکاسی یاد بگیرد
 من به آمو عکاسی یاد دادم و اینها
 بهر حال برای من خرج برداشته
 است. چون فیلم مصرف می شود و
 نوربین استفاده کنندارد. همینطور ممکن
 بود که فریده شوهر کند و بعدا
 در فیلم قابل استفاده نباشد ولی
 من کارهایی بایش دادم که می-
 توانست در زندگی عادی از آنها
 استفاده ببرد . سگ تری . نه اینکه
 سگ تر من باشد، چون حتی ما شین
 نوبسی که داشته ایم به من و هم
 او ما شین نوبسی یاد داد . حتی من
 مطالعه کردن را به او یاد دادم ،
 کتاب شعر جلوش گذاشتم . مطالب
 سینمایی و غیره که بخواند و یاد
 بگیرد . من با اینها اینطور کار
 کردم و حالا اینها آمده اند
 تنگ و دنبال دست می کشند که
 من گفتم بوش را کوتاه کند او
 خودش بیش من آمد و گفت از
 این تنگ جباروها خسته شدم
 (بوهایش را میگفت) و خوسند
 بوقش که می خواست برای مجله
 جوازش عکس بگیرد گفت می-
 خواهم بوهایش را گمروشی بزنم.
 آن بوقع هنوز گمروشی به تهران
 نرفته بود. ششواو د مایر فرانسی
 بود. ولی من به او گفتم که می-
 خواهم برای فیلم تارام جوهایت
 صاف ولخت بلند و بعد بالاخره
 باجلب مواظف من کمی بوهایش را
 کوتاه کرد و عکس گرفت . املا
 سالکی دیگری نبود بعد هم نو-
 های ورزشش را دادم برای فیلم
 صاف و نرم کردند. حالا مجله ی
 سالک نوشته که هریاتش رسم هنرپیشه
 داری نمی داند و همه او باید کجول



● حضور هریاتش به هنگام کارگردانی فیلم آدمک

● طی دو شماره گذشته ،
 مطالبی دیدیم دراجیه بنصره هریاتش
 و همچنین اعتراضاتی که فریده
 صادقیان و سیامک دولتشاهی
 بازیگران فیلم آدمک، ایطرف و
 ایطرف به کارهای هریاتش و
 نحوه ی قراردادهای من او کرده اند-
 دنبال طرح این اخبار حضور
 هریاتش با دفتر محله شاهی گرفت
 و در پاسخ آمو مخاطبی را گفت-
 هریاتش بهیچان گندهایش منتظر
 بود که پاسخی مجله فیلمونه با او
 چنان خوب باشد ، توضیح میدهم
 که هیچوجه ایطور نیست و آن
 مطالب فقط به عنوان خبری طرح
 شده اند و چنین گزاره در مطبوعه
 ما چاپ پاسخ او خواهد بود .

... و «هریاتش» قبل از آنکه
 اصل مطلب بردارد، نوازی داشت
 که روی آن حرفهای والدین
 در پند نادقیقانش نشد بود که
 از هریاتش صدمت می خواستند و
 خود را مینویس او می نوشتند ،
 همین هریاتش اضافه کرد که

● شماره ۱۰

پاسخ
 هریاتش
 به اعتراضات
 فریده
 صادقیان
 و
 سیامک
 دولتشاهی



● «فیلمنامه» پروانه بخوشی «در فرگانه» لیلیانی



● «المعدن» تلخیص کرته



● «تاریخ و جغرافیه اسلامی» به هنگام تهیه «بی تا»



● «منابعی» در چشمه»



● «داریوش مهرجویی» به هنگام مشاهده مطبوعاتی در وینز ۷۱

«هژیر داریوش» و

معرفی سینمای

نقل از بولتن

فیلم طویش نام لیلیانی در برنامه امسال وینز است) مطالب زیر درباره تاریخ و وضع فعلی سینما در کشورش بیان کرده:

خانها ، آقایان
باآنکه اولین فیلمهای ناطق بزبان فارسی با کارگردان هریتمهای ایرانی قبل از جنگ دوم جهانی در هندوستان ساخته شدند مهنلا تاریخ شروع سینمای ایران را ۱۹۴۸ میدانند چه در این سال بود که اولین فیلم طویل که کاملاً در ایران ساخته شده بود به بازار آمد . از آن زمان تا بحال ، تولید همچنان فزونی یافته و امسال احتیالاً به ۹۰ تا ۹۵ فیلم در یکسال خواهد رسید

سلیقه بد ، فشان خوش و کیفیت ضعیف تقریباً تمام این فیلمها را به بازار کوچک داخلی محدود کرده که عارت است از حدود ۵۱۰ سینما در تهران و شهرستانها با تعداد فروش بلیط سالانه ۶۵ میلیون برای کنوری با ۳۰ میلیون جمعیت - قیمت متوسط بلیط سینماها ارزان است (یعنی ۷۵ ریال که معادل ۳۰ سنت آمریکائی باشد) ، و بدین ترتیب بودجه متوسط چهارسدهزار تومان یا پنجاه هزار دلار آمریکائی برای تولید هر فیلمه شان میدهد که اگر قرار باشد که فیلم در چهارچوب بازار داخلی پولش را برگرداند حد مطمئن سرمایه گذاری کم است.

تقریباً از همان شروع کار ، منتقدان فرآوردههای این سینما را «فیلم فارسی» خوانند. این کلمه بدین مفهوم است که اگرچه در این محصولات زبان فارسی شنیده میشود ، مهنلا آنها فاقد مشخصات فرهنگی ، فنی ، و محتوایی ایرانی را در هیچک از سطوح مختلف و

● همانطور که خوانندگان ما اطلاع دارند ، در فستیوال وینز امسال برای اولین بار پنج فیلم طویل ایرانی بنمایش درآمد و همچنین یک روز فستیوال ، رسماً تمام فروش ایران به خواننده شد . بدست مدیر فستیوال «لوئیجی رونچی» ، دوست ما «الزیر داریوش» کنفرانسی در آنجا در باره سینمای ایران ترتیب داده و چون منتقدان و روزنامه نگاران حاضر در آن جلسه اطلاعات کافی درباره این سینما نداشتند ابتدا مشخصاتی این سینما را تعریف کرد و سپس مسائلات منتقدان پاسخ گفت - جواب آنکه ، این جلسه بلافاصله بعد از نمایش فیلم «بی تا» برگزار شد و با استقبال هژیر در سخنرانی اولیهداش هیچ اشارتی به فیلم خوش نکرد - ما متن این سخنرانی را با نقل از روزنامه فستیوال وینز ، در زیر ترجمه میکنیم.

مردمیر



● اسما جهان لوئیجی رونچی ، مدیر فستیوال وینز درباره کشف سینمای ایران در وینز در سال گذشته با فیلم «گروه» داریوش مهرجویی صحبت کرد و گفت که در سفری باینرا متوجه شای کار سینمایی در آن کشور شده و مطمئن است که طی چند سال آینده این سینمای ملی توجه روشنگران را در اروپا بخود جلب خواهد کرد و توضیح داد که همین جهت ، فستیوال وینز مطمئن است که امسال مجموعه کاملی از فیلم ایرانی که بهترین محصولات سینمای ایران در یکساله اخیر هسته عرضه میکند سپس هژیر داریوش (که در تهران مستقر است و استاد رشته کارگردانی در مدرسه سینماست و اولین



● سردار شهید انصاری و «گاو»



● پرویز وثوقی و «فیصر»



● «نقلی نصیریان» در صحنه ای از فیلم «بیتجی» آخرین اثر ستایش شده «داریوش مهرجوی» - این فیلم در فستیوال‌های «ترنس» و «وایر» نمایش داده شده و سازمان استبداد شکنس ایران باقی بجا گذاشته است

ایران در ونیز

فستیوال ونیز

متوجهش عرضه نمی‌کند. و در حقیقت این سیاسی ملی را می‌بایست
تخصصی برای گریز از حقایق روزمره داشته. آنچه‌ای این فیلمها
موجوداتی کماشیش تخیلی هستند که در میانه کماشیش تهریدی
زندگی میکنند و ماجراهای ناسگن دارند که فرجامهای غرضش
ناتناظران این سینما را که بنا بر آمار از طبقات کمتر تحصیل کرده
و با حتی بیسواد تشکیل میشوند، اغور میکند.

چند سال قبل، نمایش چند فیلم غیرعادی و در عین حال
متفاوت از یکدیگر (بخصوص کارهای اول ابراهیم گلستان نویسنده
و مستند ساز، فریدون رهنا شاعر، و فرخ نظاری هنرستان) و همچنین
ظهور ناگهانی یک مکتب فیلم کوتاه که از نظر می درخشان بود،
امیدها و فرشته‌های مهمی را درباره «یک سینمای جدید ایرانی» به
پیش کشید. اما بیلاذگی مردم نسبت به این تجربه‌های جدید و در
نتیجه فروش بد این فیلمها، و همچنین بر تازنی دستگاه‌های مسئول
دولت که هیچ قانونی برای کمک به سینما تدوین نکردند خیلی زود
آتش را خاکستر کرد.

تا آنکه سرانجام در سال ۱۹۷۰، برگزاری اولین فستیوال ملی
سینما توسط وزارت فرهنگ و هنر، و ایجاد جوایز سالانه «سینما»
(نوعی اسکار ایرانی) از طرف سنده «فیلم و هنر» و تبلیغات قائل
توجهی که درباره این نو رویداد شد یک آگاهی اگرچه سطحی معنادار
مفید نسبت به مسائل کیفیت و ارزشهای انسانی در صنعت سینما، در
میان مردم پدید آورد.

تا آنکه برای هر دو مسافه رفته فیلم دوم کارگردان جوان

محمود کیهانی بنام «فیصر» بوده برخی از منتقدان احساس کرده
و گفتند که «گاو» بازم یک فیلم دوم و کار داریوش مهرجوی
بسهولت مهم‌ترین اثر سینمایی است که تا بحال در ایران ساخته شده.
«گاو» که توسط وزارت فرهنگ و هنر تهیه شد و بعد همین
سازمان رسمی مدتی در سانس آن تردید داشت. داستان یک روستائی
را میگوید که مالک مفروز یک گاو است. در شرایط محله ورمروز،
این گاو که یکی از منابع مهم تغذیه اهل ده است میمیرد. و مردک
روستائی در ذهن و تخیلش تبدیل به همان گاو میشود
خبر از جنبه اشتکازی و امید موشوع که واضح است. «گاو»
این ارزش را هم داشت که هم تصویری دقیق و شریف از زندگی در
یک ده ایرانی، و هم قطعی سینمایی با کارگردانی و بازیهای عالی
بود.

در حالیکه «فیصر» یک موفقیت طمیم داخلی باقی ماند، منتقدان
وزارت فرهنگ و هنر را ترغیب میکردند که «گاو» را به یک فستیوال
اروپائی بفرستد. سرانجام همه‌ش را فیلم‌طور غیررسمی سر از ونیز ۷۱
درآورد و جایزه «فیلم رسمی» (فدراسیون بین‌المللی طنونات سینمایی
- F) را ربود - کسی بعد، جایزه بهترین هزینه در فستیوال
«شکاو» به خاطر بازی پر احساس نقش «مرد - گاو» به عزت الله انتظامی
داده شد.

موفقیت اشتقادی «گاو» (علیرغم فروش بدش در ایران) موج
حمیدی از کارگردانان جوان را ترغیب کرد که وارد گورده شوند -

و با مراد و «فر» ضمن استیو
 جوانه هسکتاش و نه با
 راهی رنگی کو ایستن کوئین
 و جوانی جوان بیجولان استیو
 تا حسن چشم قرمز با رنگ
 رنگین «پکین» در بیستن میزبان
 از ترچه نیگری با حسد همه

است.
«پکین» میگوید «من
 استیو مک کوئین را با خاطر جازارش
 از سحدهای بزمک و اعلیای
 بزخواست کردم».

و استیو مک کوئین، میگوید
 «من چون ترتیبیست که پکین را
 از پیوسته و جوانی که من با
 رابطه واقعی و با تجربه پیوسته بودم
 سه سوارانهای فله را از سحده
 جاهدان و این رابطه و انرژی
 خاص را وجود کارگرهای غیر
 «پکین» از من سخاوتمندانه
 است».

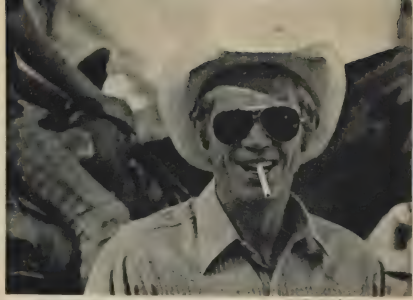
میانیدان من کدام است که
 این فیلم برای من حکم یک سفته
 از دارد من باستان بران همه بود
 از همیشه تا امروز و من استادی
 خواهم شد».

و این حرف استیو مک کوئین،
 چندان برایش نیاید او می نماید
 مسیر را رنگی است. به سفته تمام
 داشته از آن زمان که با تارق جز
 مجموعه خوب بودی «فر» یاددا
 استیو مک کوئین با هم پیوسته
 سنت آورده و با قبل از آن که
 کارگر خوب بری، فروخته و یک
 ملوان ایرونی دریایی بود».

«استیو» اطلاعات و «پکین»
 پیش وسیله همسرش که آگتریس
 با یک تاجر بود. بوجود آمد و او را
 علاقت با رنگی بود و پس از آن
 امتیاز اولین در این بازی.
 به منزله آگتور استیو بودی
 نیویورک شور و مون مارگری
 را آموخت و پس از بازی درجه
 فیلم سینمایی و نقش اصلی سر
 فرده یا زنله» در ریف با رنگی

محبوب سینما درآمد و در حال
 حاضر تعدادی از فیلمهای او در
 ریف فیلمهای بزرگ سینمای
 آمریکا است فیلمهای چون: «فت
 دلاور» فرار بزرگ - عشق با یگان
 کامل - دانهای زن - ولت -
 بزرگان - لومان ...
«استیو مک کوئین» اکنون

شده در صفحه ۲۴



استیو مک کوئین، جوانی که در ترقی استیو مک کوئین را با خاطر جازارش از سحدهای بزمک و اعلیای بزخواست کرد

سام پکین پا، استیو مک کوئین و جونور بانر



آمده بود دو مقابل خواستهای
 «پکین» چون داف فورت لازم
 برای اجرای تصمیمات خود بود.
 سکوت کرده و تنها جای «پکین
 پا» را در فیلم «فاربازمین پیانی»
 ظیغم تایل «اسیویت کوئین»
 «استیو مک کوئین» را با خاطر جازارش
 از سحدهای بزمک و اعلیای بزخواست
 کردم».

فرست همکاری با پکینگر را در
 جریان تهیه فیلم «فاربازمین-
 پیانی» داشته منتها پیک تانور
 «آن مان پکین
 پا» روحیه آموزش را داشت و
 همان برای دست آوردن حالت
 های خود با تهیه کنندگان ساد
 میگردن حالیکه «استیو» راه
 قالب یک هزینه درجه بود

استیو مک کوئین
 در این فیلم حضور یافته است
 در این فیلم حضور یافته است
 در این فیلم حضور یافته است
 در این فیلم حضور یافته است
 در این فیلم حضور یافته است
 در این فیلم حضور یافته است
 در این فیلم حضور یافته است
 در این فیلم حضور یافته است
 در این فیلم حضور یافته است
 در این فیلم حضور یافته است

استیو مک کوئین
 در این فیلم حضور یافته است
 در این فیلم حضور یافته است
 در این فیلم حضور یافته است
 در این فیلم حضور یافته است
 در این فیلم حضور یافته است
 در این فیلم حضور یافته است
 در این فیلم حضور یافته است
 در این فیلم حضور یافته است
 در این فیلم حضور یافته است



● «تایور فرس» با «ارح صادق» به‌همراه تهیه فیلم «کاکو»



● «تایور فریب» با «نعت حسینی» به‌همراه تهیه فیلم «بدنام» ...

گنسو گوئی با : شاپور قرب

* من هیچوقت فکری
را که در فیلم‌هایم دارم
از تماشاچی تحمیل
نمی‌کنم
* اگر بلان های یک
فیلم باهم قابل مونتاز
نباشد، خداهم نمی‌تواند
آنها را بهم مونتاز کند!
* ساریو همیشه سر
کار یک فیلمساز را تعیین
می‌کند
* «خروس»، فکر می‌-
کنم فیلم مستقلی را می
خودم باشد

«۲»

فیلم را به‌فریبون زورت سردید
این درس است ؟

فریب : نه چینی مناسبتی
اصلا وجود داشته . وگرنه بخت
های یک فیلم باهم قابل مونتاز
نباشد . خدا هم نمی‌تواند آنها
بهم مونتاز کند . من ایریلا
قابل مونتاز بودم . مناسبتی که
ضمی تهیه‌ی بنام پیس آمد . این
بود که ما اصلا مونتاز نداشتیم و
در نتیجه کار مونتاز را آقای
زورت سردید

● گفتید که فریب‌هایان
را دقیقا در ساریو گرفته‌اید .
از گردان کثیف به کثیف ساریو به
خوبی و نظریه کار تخصصی
است ؟

فریب : اگر نظریه است
پس چقدر نظریه‌ی من و نظریه
همه‌ی دیگران چیست ؟ من
نمی‌دانم و همه‌ی من می‌دانم .
ساریو را می‌تواند مونتاز کند
من مونتر نمی‌کنم .

● ولی کارگردان باید بداند
چون مقصودش که با تخصص
بازد و نمی‌تواند درست مونتاز
نویسد .

فریب : این را من می‌دانم .
نه خبر من است . ساریو
ساریو باشد . همین است
حرکات فیلم . آن حس را که
گفتید ، بوجود می‌آورد

● فیلم‌تاریخچه «خروس»
چطور فیلمی است ؟

فریب : «خروس» را کس
می‌کند فیلم مستقل برای خودم
باشد و حاشا طور که شما می‌گویید
شاید یک وحدت فکری در آن
وجود بیاید .

● موضوع این فیلم ارتباطی
با مباحثه‌ی قلی‌تان پیدا نمی‌کند ؟
فریب : بی‌بهره . یک فیلم
حداکثما است ، با ایلهی . تازه
● دزداری راهی نمائش

گران با ایلهی فیلم‌های خودتان
چه نظری دارند ؟

فریب : من به آن صورت که
پسرها فکر می‌کنند رایج عین
ساله فکر نمی‌کنم . هر کسی در
از خودش یک ایده و تری دارد
که در روال منشاخ به خوبی
بدیه می‌کند . ولی من هیچوقت
فکری را که بلام به منطقیسم
تحمیل نمی‌کنم . من یک مناسبتی
را می‌بوسم با فیلم می‌کند اگر
فیه درمنه‌ها ؟

راجع به‌این موضوع بهتر نمی‌گویم .
● چندی پیش صحبتی بود
راجع به فرم مخصوص فیلم‌های
رقاصه و کاکو درصحنی از منحصفا
عده‌ی این فرم‌ها را کار آقای

سانفور فیلمبردار این دو فیلم
و عده‌ی کار آقای بروخی سارست
رقاصه و کاکو می‌نماید ، این
فرم‌ها دقیقا از که بود ؟

فریب : این فرهای مخصوص
را که می‌گویید ، من از ساریو
فیلم گرفته‌ام و دقیقا حاشا را
بیاده کرده‌ام ، البته بعضی درصحنی
قسمتا که با بحث با مریلوی
و موافقت او تغییر داده‌ام .

● همچنین می‌تواند کار
صاقبور در بهبود کار شما تاثیر
زندی داشته . چون وقتی هدایه
را نابلمبردار دیگری کار کرده
بعقلت اینکه آن فیلمبردار دهالت
زندی در کار شما داشت ، منحصفا
درست همه نوشتار نمی‌شدو نوشتار

بگوید چرا این مکاس را اینطور
فیلمبرداری می‌کنی یا می‌کنی
امکان دارد که من نه تا مکاس
را اصلا نگرم این مربوط به
سارست نیست

● دقیقا در مورد اختلاف
وجود داشته ، کاکو ، دنلیام و
عریه

فریب : ، اصلا و ایلا .
در کاکو «مریلوی» اختلاف
دیگری داشت که از جای دیگری
آب می‌جوره و آن اختلاف ما می
نمود . در بدنام هم من با محمود
انداهنی سراین موضوع اختلاف
داشتیم که او سرکارش حسانت
نمیشه . چون او پول دیگری هم
بعنوان اسپانسر گرفته بود باید
می‌آمد سرکار که در ضمن دنلیام
ساریو هم باشد ولی او نمی‌آمد
دمورد غریبه‌ی ، چتر است اصلا
صحت نکتیجه‌یون با کاسی که کار
می‌کند دوست و رفیق حسنیو بهتر است

صاحبه از : نام

● علت اختلافی که با
ساریو ویس‌های فیلم‌هایان
داشته‌اید چه بوده که می‌گویند
خرابتان می‌کند ؟

فریب : ما اختلافی نداشته‌ایم ،
بخصوص که من بعد از دختر
شاهریان کثیفم نوشتم ، خروس
بیاکان را ساخته که ساریو آن
از آقای کسای بی‌سود که من
دناؤت‌هایش را مطابق سلیقه‌ی تهیه
کننده درست کردم ، بعد دو فیلم
با آقای مریلوی درست کردم که
هیچ اختلافی نداشتیم . مریلواکو
شاید اصلا یک دیاؤک راهم عوض
نکردم ، برای اینکه آنرا دوست
داشتیم . این مناسبتی که پیش‌آمده
من فکر می‌کنم که قضا یک نوع
هوچی‌بازی است . برای اینکه ما
ساریو را برای تهیه‌ی کثیف‌نوشته‌ایم ،
نیک‌باز بلکه دهنار نوشتم و
سارستی هم که آما پرده‌توافق
کرده ، با براین اوصق نداده که



کارگاه شادمانی

باشرکت تضامنی برادران آپاراتچی



بخش روابط عمومی

است بشر همردان بعد از اجرای برنامه‌های هنری خود، نسبت به عنوان یا معنوقه خود را گرفته و راهی این خانه شد. مستوفد با اصطلاح گفتگوش صاحب خانه نیز مرد جالبی است و دست دیوانسرا را مرحوم حاتم طالی... چرا که برای رفاه مشتریان محترم از هیچ چیز خودداری نمی‌کند. ایشان شانه ندارند و دست بزرگ باین معنا و خردگرایی همین نام می‌باشد از حرف می‌ترسند و بعد از کارگاه تقدیر نامه‌ای مخاطب فرستادند.

● عزیز جون، خلاق برض می‌باشد حاتم «هنرمند» برای هیجوت مشوقه آقای پرویز «میلاد» بوده و پیشنهاد «توجه» هنرکارانه و چون آقای میباد، در کسب شهرت ما کمک کرده بود همین امر سبب شد که حاتم بیش از پیش «وقت» خود را در اختیار ایشان قرار دهد و پیش از این میباد «نقاش» داشته باشد و در مسئله سعادت ماوس را میسر روایت عاقلانه پس آقای برسر زبانها انداخت.

حیگوم - دوشیزه زات تلخجان زاده
● قربان تو عزیز، دیگر پیش از این کارها می‌کردی غرمند ناز و اما مشکل است فکر نمی‌کنید که حقوق شما به شرح صحیح نماند چون او بالاخره شهر ندارد. بهتر است به ستارگی تلخ می‌بینید که آقای بود... ● شکرتم - آقای اسماعیل دفته ای جان راه می‌دهد... ● سیدم که حاتم «پرویز» داشتند قصد دارند «درنده‌ها» را بالا بزنند... جالا کی معلوم نیست - اما فکر می‌کنند که «آزاده» برداشته‌اند. ● ای اینان کسی در شده باشد چون انتقال نرسود که زور «درنده» ایشان چیز نشانای باشد. ● دلبر آبادانم - آقای مهد مکانک

«مستولیت»ها و «وظایف» جدیدی به آنها سپردیم حاتم. پس اطلاع می‌دهیم که علاقه برای نشانای نسلط دیدنی اثر «مستولیت» در اختیار برای اطلاع باحاطات طالی، می‌تواند برای گروه نشانی دقیق بسردید خبر به کار میله مرو. مراجعه نماید. البته حوازمه ایشان را نیز فراموش نکند.

بخش ضاهفنی
● معنای که کارش «کاووش» در فلسفی گفته است شعر می‌باشد که معنی است درجه‌ای خاصه فلسفی دارد شده که می‌توان دیدنی

بخش اشتباهات
● عضویت در اتحادیه - آقاي «ساموئل حاجیکیان» در هفته گذشته اظهار داشتند که: «بزرگترین اشتباه زندگی من فیصله‌گیری در ایران است اگر همچون هازری و رونوی رفتار نموده بودم و آن زمان که برایم میسر بود به آمریکا می‌رفتم و در آن دیار به فیصله‌گیری ادامه می‌دادم شاید اکنون حاجیکیان سازنده دیوار شیشه‌ای نبودم... احرفا به اشتباه آقای حاجیکیان در دستور جلسه این بحث قرار گرفت و نتایج آن به شرح زیر درسی و اعلام شد:
۱ - اگر ساموئل حاجیکیان

رضا صفایی کارگردان فیلمهای فارسی گفت:
- این روزها هر کس ورشکست می‌شود مرا می‌خوانند می‌گیرند - چراید - «مشک شد» رضاصفایی کار نکرد.



بدون شرح!

این گفت: در سمنای ۹۰
از سگس خود استفاده شد.



سوء استفاده !!

او میگوید: ... در سه چهار
سالگی بود که صیدهای معروف
خوانندگان آن زمان را با صدای
گوداکه خود زمره میکردم و
همن علاوه خاص سب شده بود
کمر! (مثل خانواده) لقب شد.
مرا در سن هشتالی نظم مرد ۲۵
سالگی در آوردند ... در سن ۱۴
سالگی بود که من اولین فرزندم را
دندان آوردم ... در حدود یک سال
فرس فرزندم میگفت که پدر و
مادرم طلاق مرا از شوهر اولم
گرفت ... و من در سن چهارده
سالگی «بیوه» شدم و در سن شانزده
سالگی بود که بار دیگر پدرم مرا
بعد مرد ۲۴ سالگی در آورد.
دو سال از ازدواج مجدد من می-
گشت که دومین فرزندم را دنیا
آورد ... سال ۱۳۶۵ از شوهر دوم
نیز ما طلق شدیم ... پس از
یک دهه‌ای با آقای حبیب‌الدینی
حالی از شوهر دوم بود که در
آشنا شدم وووو...

به حدیثی مبتلا به گشود
... در سن ۱۴ سالگی بود که
کریه و شایع از ابتلا به
رسانه بود
شما کارگاه...
مندان که و ...
این خانه که جن ...
توانسته باشی خود اظهار محبت
و محبت شاید و بی‌سراه برای
مشاهده شایع کار منظر بدنهای
۲۳ بعد ...

بخش حساسی

● زندگی‌نامه خانم «رویا»-
این نسل شیطان خانواده - مدوح
در محله بانوان - که همه گذشت
مدیرخانه شورای عالی کارگارسید
سخت هشت منبره دبیرخانه را در
بهت و تاز فرود چون علت
دوان» این زن مقابل «شاید»
زندگی حساسی است که در
تاریخ شریعت کثیر ظنر داشته
است.

در آن زمان کهرایش میسر بود
بناهریکا رفته بود و در آنجا تعلیم
ناری ادامه میداد - مسلط نا این
جد «آلفرد هیچکاک» رویش زیاد
نشد و منم نم نمیکرد.
۲- بطورفصیح سنای خاجیکان
از طریق اروپا مخصوصا توسط
«کابینوسینا»ها دنیا شناده
نشد و بهجور نینامد.
۳- حتما یکی از فیلمهایش
در ردیف ده فیلم شاهکار تاریخ
سینما قرار میگرفت.
۴- منتقدین (البته با کسب
اجازه از آقای خسرو هرنیش)
رای یافتن نلقام فلسفی و ماوراء
طبیعه در سینمای او باهم گورس
وصافه می‌گذاشتند.
۵- صدخرد صطح اگران
۶- صفاهی ای با او ترتیب میداد
و حشا «هرام ریژور» آرا برای
«پرویس آن وقتها» و...
حالا
ترجمه میکرد.

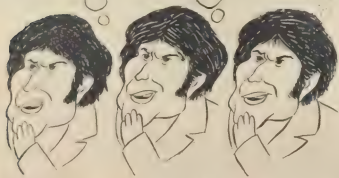
بخش سوانح هنری

● سرانجام علاقه «رویا» و
«پریا» دختران «ولی» به سینما و
فیلمهای «دلمان» کار دستمه ما
داد چون خانم «ولی» در حالیکه
نیمه برهنه در میان پردها دراز
کشیده بودند به خبرنگار محبت
بانوان گفتند که: ... من متأسف
هستم از اینکه مردم مرا بعنوان یک
ستاره سکسی شناخته‌اند. حال آنکه
من از ارائه سکس‌های آنجانی که
نشانگر را گمرا می‌زدک بنشدت
منتر هستم. از این پس تصمیم
دارم بیشتر در فیلمهای بازی کنم
که حنه هنری داشته باشد ... در
مدت چهارسال در ۴۳ فیلم بازی
کردم ولی هیچ یک از نقش‌های
این ۴۳ فیلم مرا اثناء نکرد چون
لفظ به سگس من توجه میدند نه
هرم ...
کارگاه ازطرف عموم تماشاچیان
عزیز و با ذوق و احساسات ایران
شمن اظهار دلخوری از تصمیم
خانم «ولی» از خانم «ولی»
میخواهد که برای روشن شدن
اذعان عمومی و خصوصی و رفع
نگرانیها سرما و سرما کیفیت
سکس‌های آنجانی» را دراختیار
کینت بیداشت کارگاه قرار دهد
تا موارد فریکاری این نوع سگس

- توفیق «آغاسی» از سسما مجنون است آغاسی اکنون معلول بازی در فیلم خود می‌باشد



کارکنانور از : مادر تهر



روای آغاسی در فیلم سوم

روای آغاسی در فیلم دوم

روای آغاسی در فیلم یکم



● مرضی عسلی و بهرام وطیعت در صحنای از «سرکار غضنفر»

بهر حال قلعه میزد

ولی آنکه مروجی می‌خواهد در یک رسمی زالیسی شاهه نده باشدای فامری وجود نیارد. استاد این نوع دنیا در یک فضای شاهه نده، کاری نامرت و گذشته از آن مشکل است - که نا انگاران ما سرکار نسبت - حایه اینکلیفستار طواهد ساتنست های ارزش صحتک و عوصی بنشد: اگر می (رضی عسلی) عسلی (عسلی مند) ری (دجان) آفانلاخان (گرچی) ممرانه (دج) فامری) و خود سرکار غضنفر (و طریقت) همه وهه می‌خواهد تخصصهای عمر متعار باشند. البته هر افسر نگهان که آن را هم ناند ساسور اجازتی صحتک شدت نی‌داده است!

این اندک ضابطه که گفتیم، البته اندکی بلی بسند، همچنانکه می‌بسید، بلاشده قبله باره به هر ذکر خون، هجس خصوصاً ۱. دارد. ولی آنا این تلوع‌ناری‌ها، بالا و پایین برده‌های بی‌غلت، جنج واداد زده‌ها (مثلاً صحنهای تلوعی اندای قبله) در جنس صحنه سهد؟ فقط برای آنکه قبله ندهای ساک و آرام وحالی داشته باشد!

(ارمهی جنس وضعی برای یک قبله، داشتن لحاظ داناس، فارسی است. چنان که بیست که چند حرات سابقین یکد است. راکتور می‌دهد. راکتور باکی جاعلی داشته همد این راکتور که از جوسین جدا می‌شوند، مانند گشته می‌این. استاد جوسین سراجاها که در تلوعی و فامری، جنس خود، گشته می‌باشد. واکت با تلوعی ناند. اما با تلوعی نمی‌شود. مثلاً بر آنکه، اگر راکتور زن شان باشد و یا غضنفر راکتور اگر، هر آنکه به درجه گرفتن سرکار غضنفر قبله می‌زد، که آهم در خط داناس نیست، چه استفاده می‌شود؟ سناصلی در سحر، همد سناصلی چه استفاده می‌دارد، بصر آنکه فقط بویغی ندهای سناصلی یا زری سر می‌دهد و ما زن تراغ می‌کنند این سناصلی کند. در خط داناس نسبت، ارزش آهسته تا کمد را دارند.

آنها چه کار است؟ آمیزها مرتب بارش هستر می‌شود. چنانچه باقی حال قبله دارد؟

مروجی حداقل کاری که می‌توانست است نکند، پرورش چند تخصص قابل پدرش بوده است ولی اکثر تخصصهای قبله، سوجون و شاهجه نالی می‌ماند و اگرچه به جز سرب کارهای برین چیزی تحول نماناگر نمی‌دهد. آمیجایی هسند که راجع شرایط داناس زود تفسیر ماهیت پیدا می‌کند و همین نسبت روابط در قبله جنات و سربطی است. غضنفر گشت؟ دوراژر، غضنفر و اکمر، چه نوع رابطه‌ای دارند، چرا نیکار رادراته صحت نمی‌کند. رابطه‌ای این نویا شوهر خواهرشان چرا انطور است؟ برای شهادت پدر این دوراژر آیا فقط اسکهورب زبانی که نان می‌خورد، نسبت می‌کند و ما قلم می‌کند، کافی است؟ رزی این وسط چه کاره است - چرا انگلدر زنده حرف می‌دهد؟ آیا فقط آن سهل‌وصول ماهری و آن ابواها برای شهادتند. او کافی است؟ برای این قبله صند سناصلی بیس شکل می‌توان مطرح کرد -

«مروجی» نا این چنین خصوصاتی می‌خواهد گویایی از زندگی اصل ابرای را همور کند و به‌عین خود بفره و در قبله های گندی استاد کند. ولی البته مائسری تلوع ناری کاری از پیش سوزد. رسی چرا مروجی قبله گندی می‌خازد؟

کارگردان - رسا مروجی - هریتنگان برنس
 جس میبد - جواد زینر - اسدعاشی - میجرانه - گریه
 رحمان - فیلمرمان - کمال مطیعی - سناصلی - مروجی
 از حسین واکتی - تهیه کننده - هانی مامون - مسئول آرم‌فیلم

فیلم ایرانی در بوبه نقد و بررسی

سرکار غضنفر

از: سام

● «سرکار غضنفر» که خوانندگان مطهر، از ما می‌خواهد که فیلهای ایرانی روی پرده را نقد کنیم و بارها مایع حواس خوانندگان را به صورت استاد و پانده صوری با کارگردانان قبله، باطله ای اجرا در آورده‌اید، و حال کفصل سناصلی شروع شده و فیلهای قابل بحثی به‌عناش درمی‌آید. بار دیگر صحنات نقد قبله ایرانی را بناچاره می‌کنند.

● «سرکار غضنفر» فیلم طلقا بد و میدلی نسبت ولی در کار مروجی نوعی سقوط محسوب می‌شود. آنا مروجی، که «سرکار غضنفر» را ساخته، همدان مروجی سازندگی تیلی است؟ قبله جوان متنی نمی‌دهد. چه کسی که فیلم قابل تفسیر نلی را ساخته، همد است که به مائسری حرکتان امراق آمیز و مائسری نوعی‌های این جنس اکتفا کند. و اگر تیلی را هم ندیده بگیریم، کسی که ساروی چند قبله مثل «رقابنه» و «لاکاکو» را نوشته و حتی هم نوشته: همد است که دلای بود بطر خود را همان شدت و همان شکل ابتدایی با صحنه نگرد مروجی، ساروی قبله «زن نگنده» را هم نوشته است که یک قبله گندی بود که اتفاقاً همد طعانی را داشت که سرکار غضنفر حالا دارد

«مروجی» می‌خواسته، یک گندی تلوع و رتحرک سازد. گندی که تمام ادبها، حرکتان و نام جوانان قبله در خدمت نوعی‌های آن باشد. این، البته سوازی آن که یک گزارش اولیه به‌صورت باره و بار حرکت سازندگی از تیلی را می‌سازد، اندکی سنی هم نسبت. بسیاری از فیلهای گندی خوب، ناچسب همدی ساخته شده‌اند. ولی انحرافی در کار مروجی دیده می‌شود که به «سرکار غضنفر»

ایرن درد

سقوط «ایرن» از یک ارتفاع چهل متری سبب

● «ایرن» کبویش موقیبتی شبیه «الاصر ملک‌طیعی» دارد البته نه عین دشمن ولی به‌رحال وضعیت‌هایی در حدود او را پیدا می‌کند، چون «ملک‌طیعی» از سالهای اولیه فیلمسازی در ایران کتار بازیگری را شروع کرد چون او وسوس زبانی در حرمان‌گاری به‌رحم میداد، فراز و نشیب‌های متعددی در کارش داشته و اتفاقاً چندی «داسر ملک‌طیعی» برخی از متلا محاسن آن حکیم‌بازنشستگی را نشان نوشته شده بود و این حکم را اراده آهنین ایندو باطل کرد، گمانیکه می‌ایستیم درحال حاضر هر دو در جرگه محبوب‌ترین هنرمندان سینمای ایران هستند و در موردشان تاکنون روی نشان حساب نمیشود.

«ایرن» به‌سالمای چهل زندگی‌ش نزدیک‌شستون، هنوز زمانی فوق‌العاده‌ای دارد مانند اینکه تعجب فراوانش در زندگی، بعضی از روز بهتر ویزتر بودن را به‌او آموخته است.

«ایرن» که به جهت وسوس فراوانش از صحنه سینما کتار رفت است، حالا به‌جهت ترسش فوق‌العاده‌اش، توانسته در زمره پرکارترین بازیگران سینمای امروز باشد و می‌کند که در دوره دوم فعالیتش با نقش‌هایی نامزدان بلندفیلماهای خداحافظ رفیق، های سعادت و سحر یادگار» آغاز کرده بود از روی نفع برای بازی به نقش «شمسی»

(هسر حاج آقا) فیلم محفل) انتخاب میشود در حالیکه قرار بود برای این نقش یک چهره جدید انتخاب شود و حتی بعدها هم یکی دو

بازیگر دیگر کاندید اینانی این نقش شده بودند ولی به‌رحال فرجه یاد

«ایرن» افتاد و «ایرن» در میان ناباوری همگان برای این نقش خاص انتخاب شد و همین ناباوری در وهله اول سبب شد که بعدها

تابع شود که «ایرن» چون همیشه است مسلماً نتواند توانست نقش

هسر یک مسلمان دوآنکه را بازی کند که البته رنگ همه شایعات

«ایرن» از عهده اینانی این نقش باطلات و ترسش غاصی برآمد و

نتیجه آن شد که زنگ از محبوبیت گذشته او زوده‌شود و بسیار ترکار

رود و «ایرن» به‌سرعت حالی جهت خود در میان چهره‌های روز

باز کند و چون نوع نقش (ونه کیفیت آن) تماشاگران را جلب کرده

و درایشان خاطرمانگیز بود بدون توجه به ماهیت کار، خواستار و

مواقف او در دریافت حایزه بهترین بازیگر زن جهت او بودند، در

حالی‌که خود «ایرن» که به واقعیت کار خود و وقوف داشت چسبون

تماشاگران علاقتش به‌این لکه چندان نمی‌انیدشید و شاید همین

جهت هم آن جمله‌فشار معروفش را ساخته بود که رای من مهمت

فقط در صل باشم، سرصف باسه‌صل تفاوتی نمی‌کند ...

داوران جشنواره، چون هر آدم عصفی این لکه را دریافتند و

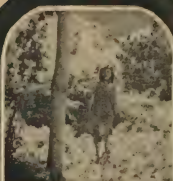
«ایرن» برنده شد و همین سبب‌حتمال زبانی شد و باعث گردید

که شهرت «ایرن» دو چندان شود و بزودی (بهتر از هر بودحتمالیاتی

چرا بد معلوم او نشانند که در بیشتر موارد «ایرن» محفل رفتار

کرد و در مورد نادری نیز تابع احساسات و دلبرش کتار تماشاگران

حتمالی زبان آورد حتمالی سه‌چندان دست که القه شایسته



ام خشونت

عجلت بوف قلمبر داری فیلم «بوهان» گردید...



سارمنی باقیم او نود که بهرحال چون همه آتشها، بروی خاکسترش باقی ماند باسافه این واهیب که «ارن» حال سارمه محبوس شده اس و بهمن جهت فیلم «حکیمه بان» وی که اتفاقا نقشش از همان خصوصیات انسانی فیلم «عجل» باقی میبند، باافان عمومی مواحه ند و این فیلم وی نیز بیش از ده میلیون رنال فروش کرد و بهرحال محبوس فوق العادهش نیست شد.

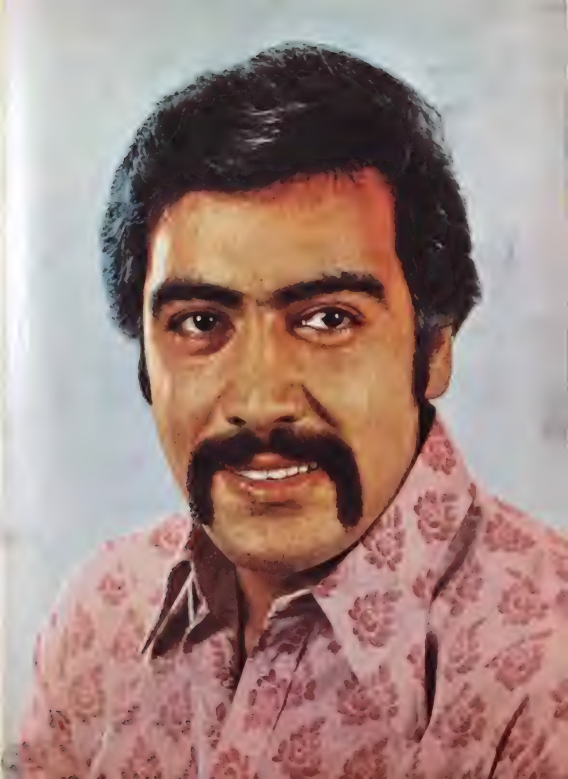
و در شرایطی که تقریبا جمع فیلسازان بهحصولهای گفته تا «عجل» و «حکیمه بان» در مورد «ارن» می آمدند (و قطعاً پس از این نیز «ارن» را در بسیاری موارد در این سب که مورد توجه باشد اس) خواهیم باقی «ارن» از این «ارن» در این نقطه نشان این مورد را گرفت و «ارن» را در نقش متفاوت و عابر دو فیلم پس درین سبک گرفت و پس «ارن» از حالت انسان ماضی سدر آمده و نیز این فیلم «ارن» است که «حق نشد و او» و «عجل» و «عجل» به سبک

«ارن» را نشانگران علاقه مند، در این فیلم فوق العاده خش میبند، خشونی سزا و متناسب با فضای داستان و روحیه کاراکتر بروی بازی که «ارن» در نقش آن ظاهر میشود و بهمن جهت بیش نیست میشود کاین سب نشان فوق العاده مورد توجه واقع شود و مفرها را شدیداً بگیرد

«ارن» در فیلم «بوهان» که «ارن» «بهارت» با شرکت دکرا با هاشی، ارن، مرضی عقیلی، هومن، کهنوتی و جلال، مسازد، با نقش زن سرگردانی ظاهر میشود که در آن باستی در مقابل شداید سار حافظ خود و فرزندش باشد، او که بههیچک استغافی ندارد، باید و مشکلی نهگی نیست در یک سفر دراز از مرز ایران و افغانستان ناطه شمال، در مورد از کوزر و کوشان، به لطف این خشونت خود، احضار میکند. خشونی که هیچگاه از «ارن» ندیده ایم و هیچوقت تصور

نمیکردیم که «ارن» را در چنین قالبی بسبب تصاویری که در آن دو صحنه مشاهده می کند، متعلق به یک صحنه جانی از فیلم «بوهان» است که لحظه ای لغت سب میشود تا «ارن» بوهان شکار در دام شکارچی این که همانا در نقش او بوده باشد، اما «ارن» به سب خصوصاتی که درکش رفت، نوعی و سریع از هیلهت میگرد که شکل و وضع حالی دارد که باستی در فیلم دید.

«ارن» در این صحنه خاص در سب با «شکارچی» خود از بالای بلندی با ارتفاع چهل متر برت میشود که البته در این صحنه «ارن» خصا بازی کرد و از «دل» استفاده کند و گرچه این واقعه خیلی خوب رنوار سلولوئید ضبط شد ولی نتوانست، عجلت قلمبر داری برای ۲۴ ساعت گردید چه «ارن» از ناحیه دندانها و صورت محروح گردید که البته به عمر گذشت...





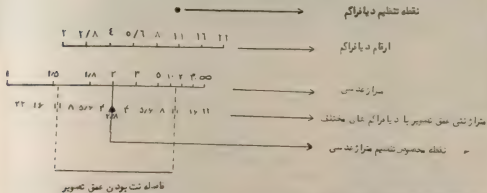
فیلمسازی آماتوری

از: فرانتون . د

۲۶

روی تمام تاسی‌ها علاوه بر ارقام دیافراگم، ارقام دیگری نیز نشان میدهد که در ترسیم زیر نونهای از آن نشان داده میشود. حث شده که میزان آن بودن شیب در تصویر را با دیافراگمهای مختلف

نمایش از ارقام حکاکی شده یک عدسی



نقطه تنظیم دیافراگم

ارقام دیافراگم

میزان عدسی

میزان نشی عمق تصویر یا دیافراگم همان مختلف

نقطه مخصوص تنظیم میزان عدسی

فاصله ثبت بودن عمق تصویر

بیشتر نبوده و با چند (نورافکن)، بانور صحنه اضافه نماید تا نور برای فیلمبرداری با دیافراگم کوچکتر کافی باشد.

۳- اگر صحنه مورد نظر در خارج از استودیو و در هوای آزاد فیلمبرداری میشود و باز به علت داشتن (نتی عمق تصویر) مخصوص بایستی از دیافراگم کوچکتر از دیافراگمی که نور صحنه نشان داده است، استفاده شود. در اینجا بایستی از بزرگترین دیافراگمهای فوی که برقی آنها وسط (چراغور) تاسیس میشود استفاده نمود (برای فیلمبرداری آماتور نورافکنهای کوچک و مخصوص در بازار وجود دارد که قدرت نوری آن از ۵۰۰ تا ۴۰۰۰ وات میرسد و بعضی از این نورافکنها حتی با باتری نیز کار میکنند) و یا اینکه از رفلکتور - (رفلکتور) - صفحههای بزرگ فلزی بیهایت شغالی گشته میشود که با کمک آن میتوان نور خورشید را روی صحنه منعکس و جبران کمبود نور را نمود.

۴- اگر دوربین دارای (دیافراگم سیکور) بود کافی است که درجه آن را از ۱۸۰ درجه به ۳۲۰ درجه تغییر داد. این تغییر باعث میشود که دیافراگم چراغ نور بیشتری بپذیرد و بندهو (باندازه) یک درجه دیافراگم (عسی) جبران کمبود نور را بنماید.

۵- اگر صحنه فیلمبرداری میشود در اینجا فیلمبردار میتواند از دانه کوچکتری استفاده نماید. بدین ترتیب بجای اینکه از دانه ۲۴ با ۱۶ استفاده کند دانه ۱۲ یا ۸ را بکار برد و بدین وسیله جبران کمبود نور (با اندازه یک درجه دیافراگم عسی) بنماید. این عمل را میشود در صحنههایی که دارای حرکت قابل کنترل هستند نیز بکار برد یا این تفاوت که هر چه شغالی با اشیاء متحرک بایستی حرکات خود را به دست تغییر دانه دوربین کمتر از حد معمول انجام دهند.

مطوریکه در ترسیم بالا مشاهده میشود، با انتخاب دیافراگم ۱۱ و تنظیم میزان عدسی روی ۴ متر، تاسی مزبور از فاصله یکمتر و نیم تا ۱۵ متر را نت خواهد گرفت و تمام اشیائی که خارج از این فاصله، همی از صفر تا یک و نیممتر و همچنین از فاصله متر تا بیهایت قرار دارند مان منعکس خواهد شد. و اگر فرضاً دیافراگم ۴ انتخاب شود فاصله نتی عمق تصویر کوتاهتر (فقط از یکمتر و نیم تا بیستمتر تا دومتر و نیم) خواهد شد و با دیافراگم هر ۴ این فاصله بقدری ناچیز است که فقط موضوع مورد فیلمبرداری در (نقطه تنظیم) نت گرفته خواهد شد ولی برعکس با انتخاب دیافراگم ۳۳ تقریباً از یک متر تا بیهایت نت بوده و بدینوسیله است که فیلمبردار قادر خواهد بود با انتخاب دیافراگم مخصوص (نتی عمق تصویر) را کنترل نموده آنرا مطابق دلخواه خود تنظیم نماید.

۱- انتخاب دیافراگم، در میزان نوری که تسلیم میرسد نیز تغییر حاصل خواهد شد. بطور مثال، در فیلمبرداری از صحنه‌ای، در صبح، بارش ۲۶ عکس در ثانیه (یک چهارم و هشتم ثانیه)، دیافراگم ۴ را نشان میدهولی چون (نتی عمق تصویر) ممکن است کافی نباشد فیلمبردار مجبور است از دیافراگم کوچکتری مثل دیافراگم ۱۶ استفاده نماید. در این گونه موارد از چند راه میشود برای تنظیم نور استفاده و کمبود آنرا جبران کرد که ذیلاً شرح داده میشود.

۲- اگر فیلمبرداری در استودیو و با استفاده از نور الکتریکی انجام گیرد (صحنه داخلی) کافی است که فیلمبردار نور صحنه را

در بعضی از صحنها (ت بوی عنق تصویر) بایستی رعایت شود چون اگر فیلمبرداری بخواهد توجه تماشاچی را نسبت به نشانی بخصوصی جلب نماید بایستی سعی کند که فقط این نشانی بخصوص در تصویر ت و سایر اشیاء اطراف آن مات فیلمبرداری شود - زیرا اگر چنین صحنهای تماما ت گرفته شود توجه تماشاچی از آن نشانی بخصوص منحرف خواهد شد.

بطور مثال: صحنای مورد فیلمبرداری است که گوشه‌ای از ناخجای برزنگل سرخ را نشان میدهد در آن صحنه یک گل سرخ بزرگ وجود دارد که فیلمبردار میخواهد توجه تماشاچی را به آن جلب نموده و بزرگ بودن و زیبایی آنرا بازگو کند. پشت این گل سرخ گل‌های دیگری نیز در صحنه دیده میشوند. حال اگر فیلمبردار تمام این گل‌های موجود در صحنه را ت فیلمبرداری کند - گل‌های دیگر توجه تماشاچی را نسبت به گل سرخ بزرگ منحرف نموده و این صحنه آن اثری که خواست فیلمبردار است نخواهد داشت. در اینجا فیلمبردار بایستی چنان دیافراگم بزرگی انتخاب نماید که (نتی عنق تصویر) در آن بسیار ناچیز بوده تا در نتیجه فقط گل سرخ بزرگ ت منعکس شده و بقیه گل‌ها مات گرفته شود. (عکس شماره ۱۸)

بدین وسیله میشود توجه تماشاچی را مستقیم در نگاه اول روی گل سرخ بزرگ جلب نمود. ضمناً بایستی بکثرت دیافراگم متکثوریانده‌ترین و یا کم کردن نور، اضافه شدن نور صحنه را که دوائر انتخاب دیافراگم عمیق تر رگم بوجود می‌آید تنظیم نمود.

بعضی از فیلمبرداران آماتور در موقع فیلمبرداری از برداشت بزرگ، بخصوص پورتره (که صورت بازیگر تمام کادر فیلم را فرا میگیرد) با انتخاب فاصله عینی و دیافراگم، تصویر صورت را کاملاً ت نمیگیرند که با توجه به (نتی عنق تصویر) در این گونه موارد راحتی میتوان این نقص را مرتفع نمود.

کانون عینی که برای فیلمبرداری (پورتره) نگاشته میشود بایستی ۴ برابر کانون نورمال عینی همان دوربین باشد، مثلاً اگر دوربین ۱۶ میلیمتری که کانون عینی نورمال آن ۳۵ میلیمتر است، فیلمبرداری شود برای فیلمبرداری (پورتره) از عینی با کانون ۵۰ میلیمتر (عینی تک) استفاده میشود. در اینجا بایستی دیافراگمی انتخاب نمود که (نتی عنق تصویر) آن شامل فاصله از تک دماغ بایست سر صورت شخص مورد فیلمبرداری (تقریباً یک وجب) باشد.

مثلاً اگر از فاصله ۴ متری از صورت هنرپیشه‌ای بایستی که دارای کانون ۵۰ میلیمتر (در اصطلاح سینمایی ۱۳۰) میباشد بایستی نتی عنق تصویر از یکمتر و ۹ سانتیمتر ۱۳۰ متر و ۱۰ سانتیمتر را شامل باشد که با تنظیم متر از عینی روی متر (در این گونه موارد بایستی متر از عینی روی مترهای چشم تنظیم نمود) نتیجه آن میشود که تک دماغ و همچنین گوشه‌ها نیز ت منعکس شوند زیرا (نتی عنق تصویر) شامل تمام صورت هنرپیشه شده و تمام اشیاء صورت او کاملاً ت گرفته خواهند شد. اگر فیلمبرداری قادر نباشد این موضوع را رعایت کند در کارش نقص بزرگی دیده میشود (عکس شماره ۱۹)

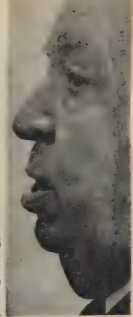
ممکن است در بعضی از صحنها (نتی عنق تصویر) حتی با انتخاب کوچکترین دیافراگم عینی (با بطنی نور صحنه و عوامل مختلف فیلمبرداری شامل تمام صحنه مورد فیلمبرداری نبود. مثل فیلمبرداری از صحنه‌ای که دو نفر با فاصله چندمتر پشت سر هم ایستاده و صورت هر دو طرف دوربین بوده و باهم در حال صحبت هستند) در اینجا متر از عینی اول روی صورت هنرپیشه جلویی و بعد روی صورت دومی تنظیم و نتیجه تنظیمها روی عینی غایت گامی میشود و با بخواست فیلمساز و آژی که او میخواهد بافت نشان دادن صورت یکی از این دو نفر بازگو کند فیلمبرداری را بدین ترتیب آغاز مینماید. (برض اگر هنرپیشه دومی در حال صحبت کردن بوده و نوی سیاهی ت صورت هنرپیشه جلویی برای نشان دادن آژی که از شنیدن حرف‌های دومی در صورت ایجاد میشود ولت بودن صورت او در فیلم صحنه است فقط تنظیم را روی بقیه در صحنه ۳۵



تصویر شماره ۱۸: در این تصویر عینی دوربین را ۳۵ میلیمتر و دیافراگم را ۱/۸ تنظیم کرده‌اند. در نتیجه تمام صحنه در کادر فیلم شامل شده است. (عکس از فریبون)



تصویر شماره ۱۹: بطوریکه در این تصویر ملاحظه میشود مساحت گرفتن گل سرخ بزرگ و مات انداختن سایر گلها توجه بیننده در نظر اول فوری روی گل سرخ بزرگ جلب میشود (عکس از: فریبون)



سپردی وسیع آرا درآید و به
عبارات گان انگشت محب سحر
نگردد) تصح محض از این است
باله ملاحظه می کنید که تمام
داستان پراز تصح است) که بطور
ندای مسئولیت در مواقع خصوصی
عوم می کند. ملاطفتی در این
هوازه ها که طوری مستطرای
روی آگرای می آید و هر بیندای
را طرر صحنی در این اوساع و
احوال سیاسی غافلگیر می کند
ولی مشاهده هیچ امکانی در حیل
این غافلگیری دیده نمی شود. با باز
زمانیکه آن مستند تازه از راه
رسیده در جات بحرری در عرض
سه چهار دقیقه «سامی» به خوب

را خواهد دیده فهمید بعد
چه ربطی می تواند به یکدیگر داشته
باشد.
در هر صورت راجع به حرر
که خودم ردم توضیح بیشتری
بخش فکر کنم لافال دیگر
را خودتان هم قول داشته باشید
که يك شعر درازای دانش يك
محتوی بزرگ اساسی و بدون داشتن
يك قالب مناسب و همراه نمی تواند
نثر خوبی باشد. و شاعر آن شاعر
حوبی مصوب شود. همین بریب
در مورد ادبیات که يك داستان
خوب باز نمی تواند قابل قبول باشد
مگر اینکه سوای يك محتوی ضعیف
و(البته اگر از این نوع معاصیه

را حشا دیدند از این
همن آدم یا
خواهند دید
گفته متالزادان
نامت اعلم فیلم ها ای
نیزر احسن
کسی می آید سیزه
و به همین صورت
بهات فیلم
فاقد محتوی بزرگ
بازرش هستند
خیلی از فیلم ها با تم های
بزرگ
باشد. ژراله
تواند به
می تواند باشد و معجز است

نگاهی بجوایه آقای «سپانو» از «مجهلزدانه»

ضایعه را نشانه نگیریم

۲۰

● همجیز از المچکاکه شروع شد و ...

و طبق معمول حضرت مست بمانار
جناب «دوایی» شده که نهیدیم
این موضوع با پیش چه ربطی
چیزورت گوی گمشاخ و دم ندارد
همین طوری میشود. درباری
ماهیت امر هم که نوشته اید باید
بگویم حاصل خود بدون کار
نگارید یعنی در واقع اگر کا
ناتشبه ماهی تصح می مرشد
این مورد بخصوص ما کماکان
مطالعه نقدی کتاب «دوده» را
در مورد فیلمهای «مچکاکه» و
خصوص تمام کتاب از درباری
«هاکر» را برایتان مفید می دانم
(کتاب اخیر از سری انتقادات
Cinema one شاری صفت سال
۱۹۶۸ است). پس ملاحظه فرمودید
که شتا نیز چندان بر نیاز از مطالعه
نیستند. ولی مخلص بصر مطالعه
بسیار درونی همسما پیششهاد
دیگری هم دارم پس در واقع
بر خلاف شما منتقد کمابذ فیلمبر
بیشتر بینید که متعاضه این مرد
وقت زیادی می خواهد در دنیای
بایدانت می نویسد افکر می کند
و طبعه فرآدم شرافندی باشد که
بهر طریق امکانی آن گرسه
آثار عرضه شده با افکار عریس ما
مبارزه کند (بعد مسئولیت و

مردود، مکتدیکر را می مالند و
می گذارد کار، این مسئولیت در
حد وظیفه هر آدم شرافند ظهور
می کند. تا هر طریقی با تلقی های
سخنری عرضه شده مبارزه کند
چیز صحنی است، نه این مسئولیت
هم می ماند کی باید ظاهر شود
که نماید. چه میشود کرد بقول
خودتان روزگار تا روزگار صاف
گری لت

در وقت سوم مطلقا نوشته اید
مثل اینکه ما هر دو (همی بنده و
اینان) داریم برای موعلمان نوعی
يك گمنام امرای می کنیم که باید
حفاظت در مورد خود عرض کنم
که این چنین نیست. باید شای برای
مجلس يك گمنام که در
مجلس خبر که در مجلس اگر شای
همین برای شما شده و بران
من چه این مسئله کمپانی است
شد می باشد و در خواص من

اما برسم به آخر مطلب که
خوشاندانت نوشته مطهر (ارزش
فیلم مابن مربوط نیست که فیلم
ساز چه می گوید بلکه مابن مربوط
است که فیلم ساز چگونه می گوید)
باید (خودش صولات با کاره
و چنگال صای خود را چلو کرد
باست) متشکله کند که حقیقتش

برخوردار است) از يك فرم خوب
و مناسب نیز برخوردار باشد. اگرچه
یعنی در سوریکه در هر کتاب
موارد بالا ایندو معرهای جدا فرود
باز نمی تواند حاصل اثر طوعی
در برابر بصورت کافی بود هر آینه
مطلبی راجع به گرسنگی سوزید و
با راجع به تعیش زادی شری
بگوید و نام خود را در حوضار
برگان نثر و ادبیات نت کند.
که فکر کنم خودتان البته بران
مسئله اعتقاد داشته باشید. حرف

عزیزوری تم های بزرگ می شنایری
می تواند برای يك هر مرد
يكه خودی فرودس این
میدوم بنام اوست که در این اجنت
می باشد و با آرا برارزش خود
می باشد و طبیعی است که اگر به
این موضوع توجه داشته باشید
هزار سال دیگر هم باید این را
گورزد نمود. و صرفا کهنگی آن
(که غولان بودید با تکیه باین
صفت خیلی ساده مطلب را جرد
خطو تعهد) دلیل ربط بودن با
رد کردن آن نمی تواند باشد

همین صورت در مورد سینما
می توان به همان فیلو رانین همان
زلم که بزغم دلفن هیئت سرین
معاصیه آسانی واحد هیچگونه
ارزشی نیست همین چندتی قس
نوعصرای آقای «پوته کزروه»

فیلمهای «سپانو» که در این
و با همین فیلم ناگمانه
اما امتداد خواهد کرد
شده را از حدیث تراوانه
اگر رجعت بیاوریم
کتاب The Cinema as
(و الاستارزات و پیکلی
اسپیون» و «سپانو»
قسمی که بوسیله خط
«کراکوره» می آورند که
برای آنکه با شخصیت
طرح اصلی محتوا و فرمول
لازم است که خود معنده
بهر به مازادی مطلق
بشکر هر معنی قند خاص خود
را می شنود نه بافت فکری
ساخته شده. در قسمی دیگر
می کند «فلا» که
فرموله کردن معاصیه
مکن است ولی موعلمین
سازان کتابی هستند که
منتاسب باضای فیلم و با در
گرفتن تماشایی بوده.
۲۱ کتاب New Uawe

از هر انتخاب شده بوسیله
گروه Cimeacon
مقاله ای از «کلودشارلو» با
تم های کوچک در آن مقاله
«شارلو» می نویسد: «کسی که
می خواهد فیلم با مزد نوع موضوع
بفیه درصحه ۲۵

نقد و منتقد در ایران..

ت: ایرج صابری ۲۵۰

● «پرویز دوتایی» در مورد خود میگوید:

... اگر سلف فقط سه اصناف و دردهای احساسی منکی باندمنگ استدر کارهاشون دچار لغزش شود و چون من خودم را آدمی عاطفی می‌شمارم و باوجود این - شاید بتوان گفت نیمه - در خودم وقوف دارم روی این اصل در حالی که موارد به‌رذات اصلی اولیادم اتکانه نمی‌کم و هرقله را چندین بار می‌بسم.

از طرفی چون در دیدار اول سنوان فرم فیلم را استخراج و استیلاست نمود لذا حتما باید آنرا در دهفات بهم دید تا بسبب که فرم تا چه حد در بیان منظور نتجالت داشته است.

اگر قرار بات مطلق تجلی راجع بهتخلیلموسیم گاهی اوقات با هفت یا هشت بار آنرا می‌بینیم مثلا فیلم «تربستان» را پس از اینکه هشتبار و «سانترکوره» و «ساورانی» را پس از اینکه پنج بار دادم بعدا درباره آنها نقد نوشتیم.

گر گهای تنها

● «دوتایی» درباره «شده» و «منتقد» در ایران میگوید:

... اگرچه پیافه ما سینماست ولی وسیله کار ما نوشتن است و ما بعنوان نویسنده نباید مسئول بسببوی گزینهای تنهایی باشیم. گاهی همه می‌زیرم و از زورگشنگی هندیگر را گاز می‌گیرم ولی خوب باز لطف اوقات مثل يك فیله دور هم هستیم. در اصل هر يك از ما موقع فکر کردن و ایجاد

● نسخه ۳۹

کردن - نیگویم خلق کردن چون کار ما خلق کردن نیست. آدمی است تنها. من از نوشتههای بعضی از دوستانه خیلی استفاده نکردم برای کار بعضیها ارزش فائزهمم و از کار بعضیها خوشم نمی‌آید. هاشوریکه بعضی کار مرا نمی‌پندارند. بعضیها را اصولا در این کارصالح نمی‌دانم - هاشوروی که بعضیها مرا ممکن است صالح بدانند. خلاصه اینکه من کارم را تاآنجا که توانایی و علاقه داشته باشم و پیانهای کوچکی گله‌نگاه بدانم برسد ادامه میدهم. ولی بدبختی من در مورد خودم اینستکه پیانهای خیلی کم است و اغلبموارد باچاریم برای تهیه حوراک صفحه خودمان از صنفهای حرف بزیم که دوست نداریم. وقتی شما به سوز خود علاقه نداشته باشید، حرفتان گمرا می‌شود بود. وقتی آدم دوست دارد و عشاق است حرفهایش شیرین خواهد بود

سینمای امروز

... من وقتی به گذشته نگاه می‌کنم، متوجه میشوم که سینما درگذشته تمیزتر و ذوقمندان تر بود. فیلمهای امروزی بسری نشان دادن بی باقیمانده می‌دهند و سعی می‌کنند آدم را هرچه

زیادتر و کجتر نشان بدهند. ممکن است گفته شود که خواسته‌اند تصویرگر واقعیتی از بشر قرن بیستم باشند بتری که از جنبه آینده‌ال دور شده است - ولی وقتی این بد و حوراک روزانه سینمای امروز - دیگر جز کرامت در آن چیز دیگری نیست. نمایش هرچه واقعیتر و خشن‌تر و کجتر، شلی است. بقول «ارزش ماریو مارتی» بدترین حالات بشریت، آنچه که



● «پرویز بوری» این روزها هم گاه و بیگاه نقد می‌نویسد.

سال ۱۳۳۳ شروع کرد و تریسینمایی این منته ملیهای روز و هنرپیشگان منطق بآن را معرفی میگرد و گاهی هم اخبار سینمایی شروع کرد و سپس آن را منتهه سپس او به ستاره سینما آمد ما مطالبی در زمینه معرفی ستارگان سکسی و خصوصیات مربوط بآن و تا حدی بوری عنوان کاروب شایع در این امور شهرت داشت از اولین مطالبی که از او درمنتهه «ستاره سینما» می‌بینیم سلسله مقالاتی است در معرفی ستارگان روز چون «کاترین گروسون» و «دورا کار» ... و بدین ترتیب او کار سینما را آغاز می‌کند - راهی که سرانجام به کارگردانی منته شد اکنون او در مقام کارگردان در سینمای ایران فعالیت میکند و همان دیگری است که معالی برای نقد نویسی ندارد و با همه حش که باستکار دارد فضلا از آن بازمانده است

آدم را نگه میدارد، اینهاشای ناشی از آینده‌الهایی است که منکی است زیاد هم واقعی نباشند. فرضا در تلخ‌ترین شرایط زندگی مثلا عشق. آدم را نگه میدارد و بعد اگر آرزای تجربه و تطبیل کسیم می‌بینم که عشق ناشی از وضعیت روحی جوانی است که بعدا بهارودواح کتیده میشود ویی کار خودمیرود ولی در آن دوره خاص این در مقابل تهاجم بدی برای آدم وجهیه‌میشود. حال دیگر دارند این اینها و این فریبها را از آدم سلب می‌کنند. وقتی آدم تمام اینها عایش را از دست بدهد دیگر برای او چیزی باقی خواهد ماند امروزه تکلیت میشود که بشر بی‌هدفند. بشر امروز باسند هیچ چیز نیست - خوب اگر این درست باشد پس شما هم بضررند. شما هرمدان و هیستریگان و فیلمسازان - چون نداری راه نایو کتک کرده‌اند..

پرویز دوتایی

بوسی را ما منته استاره «فردوسی» سپرد و پس از حدیثی حکایتی با منته بزبور و ... و رفت که این منگاری منته امروز همچنان ادامه داشته است و هر هفته شدهای او در «سپیده» سپاه چاپ میشود و پیش از همده سال است که در کار نقد فیلم قلم زده - می‌زند.

پرویز بوری

● «پرویز بوری» علیرغم ظاهر آرامش، یکی از پرحسب و جوش‌ترین و صاف‌ترین منتقدین ماست که بطور خازن‌المدامی به کارهای مطبوعاتی حش می‌رود و ساهبا بطور مداوم و بی‌پیرگی بآن پرداخته است. بوری با شتی به سینما کار نوشتن را باسمله ۲۴۸ همراده در

ادامه دارد

موزیک

از: حسن برنقوی

این آهنگ بوی میگذارد. حال ناراحت شده و طوطی که در دستان میبکد وی نصیب میبندد تا آنجا که میبکد. اجرای این ترانه جدید از آهنگی از خواننده جوان و خوش صدای میبکد - گازی از برنقوی میبکد. در حقیقت بنده بودم که از برنقوی (گازی) در اجرای شگفتی میبکد. برنقوی که جوانی خوش خلق و با نوازی که جوانان دوست دارند. در اجرای شگفتی میبکد. برنقوی که جوانی خوش خلق و با نوازی که جوانان دوست دارند. در اجرای شگفتی میبکد.

که تاکنون ادامه میدانه سرماز زده و به جرگه خوانندگان جاز درآمده زیرا وی بازیگری آهنگی آماده نموده با عنوان «لیلائی من» که با آرکستر پاپراديو ضبط گردیده شروع آهنگ این اثر از ساخته‌های «مسعود آملی» میباشد که «میلان گویم» آن را برای آرکستر تنظیم نموده است. باید دید که این خواننده در این زمینه چه موفقیتی خواهد داشت.

دریک صحنه از فیلم «بک کلاغ چهل کلاغ» در صحنه گفته «حسن شجاعی» نیز در صحنهای از این فیلم ظاهر شده وی در این فیلم همراهی رقص «محبابه» ترانه جدیدی اجرا میکند.



خبر الکی و جنجال خواندگی

● در هفته پیش یکس از شراب‌خوردگی که گویا خبری بر سر میباشد خبری پیرامون راه رفتن در خیابان...



خیام و فیلم سنمایی ...

● «ماهرمان» موزیک ایران (حسن شجاعی) مدتی است سخت اندرکار تهیه جشنی با اسامی تحلیلیار «صحر خیام» شاعر نامدار ایران می باشد. این خواننده با اجرای آبیان شعری مشهور ایران صالیت خود را آغاز نمود و در این زمینه از اشعار «شاه» بیشتر بهره برد. همزمان با تهیه این جشن که در آرامگاه این مرد بزرگ برگزار میشود دست اندرکار آماده نمودن خود صحت بازی در فیلم «دریادی در سکوت» نیز می باشد. و احتمالاً وی در این فیلم نقش قابل «فرزانه» ستاره کسبی را بازی خواهد نمود.



عمل جراحی و ترانه‌های جدید

● سرانجام «رویا» بزرگترین خود را تحت عمل جراحی فرارده. ویس از نبود از این بیداری حس اندرکار آماده دورانه جدید می باشد تحت عنوان «چه خوبه وقتی که ما حرف درلاونون یکپه» و «په روزی این دل ما بود حالا نیست» این دو آهنگ بنا بگفته خود «رویا» از بهترین ترانه‌نویسان است که وی تاکنون اجرا نموده است.



آغاسی و چهارمین

● «مستانه آغاسی» خواننده کوچک وزارت باشرع ماه مارک رمضان «چهارمین» فیلم خود را که با جنجال قوی نام آن «آواره» خواهد بود آغاز خواهد کرد. این فیلم بوسیله «هوشک منظوری» مدیر تئاتر پارس تهیه خواهد شد و وسیله «کاشی» ساخته میشود. با آغاز ماه رمضان که برنامه آغاسی نسبت به نام دیگر دیگر کسب میگرد این فیلم در آواز شروع خواهد کرد.

دلیم آتیش میگیره ...

● «ایرج مهدیان» خواننده آهنگ مشهور «فرا با غریبه میب» سینه که این آهنگ در شهرت سهم بهزاتی داشت بازیگری گویا از سخا که دوستانش پس از اجرای

● «ناصر مسعودی» کسروی حضورتان حسه. این خواننده که از بدو فعالیتش در زمینه خوانندگی اکثر ترانه‌هایش را از بیس آهنگ های گیلکی انتخاب کرده که معروفترین آنها «دختر رشتی» فکشنه میباشد بازیگری از رویای

● «علی طری» با تئاتر جانی در مجلسی شرکت میکند و در آنجا میبکد با نامی از جانی (غزل بوسیده صله فوزالدکسر حامد دوم طی نظری) همراه علی نظری بود دعوت میکند که مسلک خرابی‌نگار درآمده و با وی عیب کاری کند پس از انتشار این خبر طوری که شنیده شده «علی طری» طی تماس تلفنی ویرس درج این مطلب با سردبیر آن صله زمان به شکوه و شکایت کشوده و گوشه کرده که آن خام بیعیبوجه زن دوم من می باشد ویرس این موضوع وی با ماهرش اختلاف پیدا کرده است. البته تصحیح آور و با شناسایی نامید است که چرا بوسندای نامید به خاطر بر کردن منظوری چند زندگی خانوادگی یک شخص را بهم بریزد.

شجاعی و بک کلاغ و چهل کلاغ

● «میدانل شرکت» خواننده مشهور «دانش‌پوش» آفتابن و کیوان»

تربون آزاد



« حرفهای پراکنده درباره کارگردانی »

نوشته: جمال ریاضی

● يك نویسنده خوب برای بیان احساسات درونی و الهام فاعلم خود وسیله‌ای جز کلمات ندارد، نویسنده میبایستی برای بیان منظور خود وسیله‌های بیانی که همان انتخاب کلمات و معنای عینی که از ترکیب صحیح آن کلمات و عین ادبانه‌تری نویسنده به دست می‌آید خواننده را متوجه کرده و او را بدنیای آفریده خود برده و کلیه عواطف و احساسات او را بازی گیرد.

● کارگردان هم دقیقاً به همین روش با تماشاگران مواجه است، ولی کارگردان بجای کلمات وسیله دکور، بازی، نور، لباس و عوامل دیگر صحنه‌ای می‌بازد که هر یک از موارد نامبرده را به بهترین وجهی تلقین نموده و آنسفر لازم را ایجاد و آسرازه تماشاگر اتفاق نماید.

● يك کارگردان معنی‌آزم خود را بدوگونه به تماشاچی می‌شناساند: در مرحله اول با انتخاب آثار مشهور که تنها نام نویسنده را بدانند بزرگ میکنند و از آنسفر کارگردان در آن اثری نبوده و تنها آن اثر نویسنده را می‌بینند و ندانند دادن اندیشه خود کارگردانی که در تماشاچی عرضه نمیکند، در این باره «کمال خوب» نقلش است: وظیفه کارگردان تنها

برگرداندن نمایشنامه به روی صحنه است، زیرا او باید چیزی هم از تصور و استعداد خود نشان دهد در غیر اینصورت کارگردان چه معنی خواهد داشت؟

اکثریت کارگردانهای خوب فرمالیست هستند، یعنی نحای توجه به معنای اثر می‌رسانند دارند که بوسیله اجزای نمایی عیوب و نواقص فکری و معنوی عدم تیش خود را از اجتماع نگاه وسیله ایجاد چند فرم دلپذیر که ناآثیری آنی دارد پنهان نماید، این چنین کارگردانها هیچگاه توضیح نیافته و پس از چندی فراموش شده و فراموش میگردند.

فوق دوام کارگردانانی هستند که رخطاقت دسته اول حاصلشایی دقیق دارند، معنای اثر را می‌توانند بدرستی درک و تفسیر و توضیح نمایند، معنایند در اثر شاعرانه، صمیم، رابطه معنای نمایشنامه خود را از حاصله‌ای که در آن رود را بازماند خود چندین مورد از نشانه‌های زینت معنایند در معنای نگاهند و در واقع اگر نبینی داشته باشند متوانند تا استکباری در معنای اثر که محصول ذوق و حسیته و بطور کلی برداشت عینی و ذهنی نویسنده است، ایده خود را تحویلی بطور نگاهند.

● کارگردانی که معنای اثر را بدرستی تجربه و تفسیر کرده باشد متواند به فرمی ایده‌آل که در خدمت معنای اثر باشد دست یافته و بین این دو رابطه‌ای متعادلانه و تلاقی که در ضمن چشمگیر نسبی باشد ایجاد نماید.

● به عقیده من کارگردانی ناموفق است که نتواند تفسیر تماشاگرش را در همان یکسوی دو ساعت در سال نمایش خود متغیول کند و او را در آن مدت او را به نظر وادار و دیگر هیچ نشود «احمد مختاریان» نمایش با بدعای تماشاگرش ممکن باشد بلکه باید

از اولب آرامش کند.

● کارگردان بدوگونه به انتخاب بازیگر دست می‌زند: اول کارگردانی که می‌خواهد از هنر شخصی به‌هوان بازیگر استفاده نموده و نیب مورد نیاز خود را ایجاد نماید، انگار که بازیگر در آن نقش زندگی نموده است.

دوم کارگردانی که بازیگر یا شخصی همین را انتخاب می‌نماید که شخص آنها همان در یکسان باشد، ما کار این است که کارگردانها را بدوگونه تقسیم می‌نمایند:

اول اینکه کارگردان در اثرش قریب نموده و دوم اینکه کارگردان را در آفریدن نیب مورد نیاز عاجز می‌نمایند. زرقه از این لحاظ که با انتخاب يك كتاب فروش بازاری در نمایشنامه با فیلم همان نشانه‌ها، به او دهد که دردی‌اش می‌باشد، یعنی در حقیقت بازی نمیکند، بلکه زندگی عادی خود را در صحنه تکرار می‌نمایند. و عاجز از این لحاظ که خوب به ریز و بی‌روابط و اعمال احساسات آشنایی داشته و اجبار است به این گونه انتخاب می‌زند که کمکی به ناخوانایی و ضعف تکرش نماید.

● گفتم که کارگردان باید حاصلشایی دقیق داشته باشد تا بتواند به روایای پنهانی و تاریک انشاهات دست یافته و پرده از آن بردارد و بطور کلی آن رویه‌ها را ما نشاناند، برای مثال وضع خانواده نسبتاً نامرغی را در نظر بگیرد که می‌بماند را بیان وارد شده، بطور کلی صاحبخانه برای اینکه نزد میهمان خود شگفتانزده نشود می‌دارد تاضی‌المنشور بهترین غذا و بهترین وسیله ممکنه را برای میهمان خود ایجاد نماید، در این گونه مواقع کارگردان نباید تنها يك روی سبک را دیده و بر اساس آن قصات نماید بلکه باید حقایق پشندیده، را که همان غذا خوردن و ناراضی کشیدن صاحبخانه است نشان دهد، مثلا نشان دهد که

صاحبخانه در اثنای دیگر با یک نامه ناد حالی شکر بر اسیر بوده و میهمان با بولغ تمام در اطاق دیگر مشغول خوردن نمای‌سای است که صاحبخانه در بیشتر اوقات حسنی فکر آن‌گونه بنا را در سر می‌نهد، پرویزان تا مبادا به هوس نیافته بلکه کارگردان باید آسوی سکه را نشان دهد.

● کارگردان میبایستی بسا توجه به روحیات و شایسته‌ها تماشاگرش و دانستن طریقی برای نمودن ادبانه تماشاگر (چه در سطح روشنگر و چه در سطح متوسط) دست‌به‌نگوهای اجرا زند که هر دو گروه از تماشاگران یعنی تفریبا با اندکی اصلاح و سبب به سرا خور حال خود در يك حدود داشته باشند. و این توفیق نظر بر این صورت امکان پذیر است: قبل از اینکه در این باره بحث را ادامه دهم بهتر است فرضهای پیرامون بیانی را در خصوص رابطه نویسنده با کارگردان با تماشاگر نقل‌نمایم:

● بیانی میگوید: وسوسه‌ها سازنده در دوام تجربه‌اش و از طریق مواجهه با تماشاگر است که شکل میگیرد و کامل میشود، تجربه در فضای خالی، در خلأ، در تصور، در ذهن می‌دارد، تجربه باید عینی شود، شکل پیدا کند، و رصحه بیاید و بسازد تماشاگران را متوجه و آتوافات است که تجربه کننده هم خود را از این مواجهه میگیرد. پس بطور کلی اگر نوان با تماشاگر رابطه‌ای ایجاد شود پس هدف از تجربه يك اثر چیست، شرط اول موفق بودن کارگردان ارتباط برقرار نمودن با تماشاگرش می‌باشد در نتیجه يك کارگردان ایرانی زمانیکه بکلی از آثار نویسندگان خارجی آرازی اجرا در دست میگیرد باید ارزش را با توجه به عواطف و نیازهای اجتماع خود انتخاب کند، و در غیر اینصورت اجرای این‌گونه آثار نشود



● مایل با کلیه علاقتان
فیلم هرور مکتبه دانش نامه
تهران - شوش شرقی - خیابان
شهر - چهار راه هاشمی - شماره
۷۷ - میشا ایمنی
● با طرفداران ملك مطیعی
رضا بیك ایستادری - محسنه
متولایی - پوری بان - چارلز
برسون - چلینون - پول پرایس
راج کار حاشر بگاتیه هستی
یزد - دروازه تاشی - کوچه
بنف - پلاک ۱۰۶ - حسین کورکانی
● با دوستداران ناصر ملك
مطمی حاشر بگاتیه ام
تهران - شوش شرقی -
خیابان ارج - کوچه سعادت -
پلاک ۵۵ - ۱ - اصفهانی
● با دوستداران علی نصیریان
عزت الله انتظامی و داریوش مهر
جوی حاشر بگاتیه ام
شوش شرقی - خیابان ارج -
کوی سعادت - پلاک ۵۴ - ع -
علی نیا
● با علاقتندان گوگوش -
مهنی - حمیرا حاشر بگاتیه ام
شوش شرقی - خیابان ارج -
مقابل آژوتوی نادر - پلاک ۱۷
حسن تیززاده
● با برادران و خواهران
که زندگی پلاکتاپاری را می-
گذرانند مایل بگاتیه ام
آبادان - تور آباد - پست
دبیرستان جاوید - گلفی ۱۸ -
حمید کیاوشی زاد
● با علاقتندان هنرپیشگی
و بهروز وثوقی حاشر بگاتیه دانش
نامه
● بنجورد - خیابان شاهرخ -
کوچه حسنی - پلاک ۲۸ - علی رضا
اوری
● با علاقتندان داستان نوس
وسارو بوسی حاشر بگاتیه ام
تهران - جاوید - نعمتی
اول - کوچه کلاتری سابق -
پلاک ۳۸ - بهروز منهدی

طور دقیق اطلاعاتی ندارم ۷- دانش
آکل در مشیوال باشکده چاپرهای
نبرد چون مشیوال باشکده چاپر
سیدهد ۸- فیلم منتهی برنامه
آینه سینما کاپری است و لباس
فیلمهای که نامبرید بطور دقیق
برج نیست منحص بیست .
اصطفا - آقای مصطفی :
مطلب سینما های ایران از
یک نشریه سازمان تبلیغاتی گرفته
شده بود و احتمالا امکان دارد
تحوالاتی روی دانه باشد که در
آن وجود داشته باشد زیرا از این
نشریه مربوط بهرویدین بود . از
ایکه لیست کامل سینما های شهر
خودتان را از سازمان تبلیغاتی
مطشاً ترتیبی برای درج
عناصرتی سازمانگانی فیلمهای ۸
میلیمتری خواهیم داد .
آقای کاظم ملكی :
۱- دناحین سعرا اولین
فیلم سعید راد بود و بعد از آن
بازگر عشق اول فیلم عداغاش
رفیق شد ۲- پله و جستا حراموسن
سردی است ۳- برای اطلاع از
سال نایب فیلمها بشماره مخصوص
نوروز ۱۳۵۰ فیلم مهر مراجعه
فرمائید .
تهران - آقای میشا ایمنی :
با هوشنگ حسینی بآدرس
«خیابان فردوسی» روزنامه کیهان -
هیئت تحریریه» نامه ارسال دارید .
قرون - آقای مصدعلی حاج
اکبری :
۱- وظیفه منشی سخته یان -
داکت گبه امور مربوط بهرویدام
های سخته است که هنگام فیلم
برداری مجدداً نشانهای رخ ندهد .
برای مثال اگر در خانهای فیلم -
برداری می شود که در کنار حیاط
یک گلستان برای تزئین گذارنده
و فیلبرداری بروز دیگری موکول
می شود . این گلستان سرچایش باشد
یا آنکه لباس هنرپیشه سخته همان
لباس قلی باشد ۲- پله ، بخاطر
استفاده از اثر آژوتوی در فیلم
عاطف خواه باو حق امتیاز داده اند .
بندر گناه - آقای حیدر
رضاییه - آقای عزیز کشاورز :
همه فیلم سر فلا بتوق
اتذاه است ، فیلمهای آماده نمایش
ملك مطیعی ، گروهان - سردان
خلیج است ، در حال حاضر وی
متنول بازی در فیلم عاشقانه ای
است .

دو سال خدمت نمود ، خاطرات
که از وی خواننده مربوط ساه
رمان است .
تهران - آقایان وارطان
آوانیان - عمرو زوج -
شاهین جانی :
۱ - فلا انتخاب ملك ریاضی
هرمدان منشی کرده است ۲ -
منکی است پنی از قست های
کوبک فیلم بلوج را ساسور کرده
باشند .
۳ - له آسف دایان پرموشه
دایان است .
اراك - آقای ابو الفضل خلیلی :
امکان چاپ عکس رنگی در
کاغذهای معمولی میسر نیست .
ارایشی مجدد اصوات نیز در شرایط
کوبی برایمان ممکن نیست ، نظریات
شما را در باره مطالب مطیعی کوشیم
علنی سازیم .
تبریز - آقای کریم بهنام :
برای بهروز وثوقی به آدرس
(استودیو میتاقی - خیابان قوام -
الطه - کوی ایرج) و برای
فریدین بآدرس (پولوار الیزابت
خیابان هما - فردین فیلم) نامه
میتوانید ارسال دارید .
آقای جاوید رضایی :
فلا برگزاری جلسات هنگری
برای ابراز نظریات خوانندگان
میسر نیست ، اما فکر خوبی است
که در آینده عملی خواهیم کرد .
شهر کرد - آقای حسین رفیعی :
ما دو شهرستانها خبرنگاری
نداریم زیرا کلیه فعالیت حساسی
فیلسازان در تهران متمرکز است
شما نیز می توانستید از طریق دفتر
ناشدگی منته مطیعی نظر خود
را تهیه و ارسال دارید .
اصطفا - آقای ابوالقاسم
داوودخواه :
۱ - از فریدین فیلم جنم +
من آماده نمایش است و فیلبم سرخه
چهار دو دست است
۲ - فلا امکان بزرگ کردن
فضی فیلم وجود نیست ۳ -
میکوشیم که برای فیلمی کس
بوتشاید شماره مخصوص منتشر
کنیم .
اهواز - آقای پرویز حسینی :
۱- مرضی حانه از سال ۱۳۴۸
ساختن موزیک متن برای فیلمها
آغاز کرده است و از فیلمهای که
وی برای آنها موزیک متن ساخته

آقای غلامرضا تورا احمد سعید
در مدت مطیعی هنگام ساختن
مر - شوش رنگی داشتیم . در مورد
پیشه های شما مطالعه خواهیم کرد
و امکان دارد نظرات را سلسله
سازیم
آقای اصمدارنا جعفری :
۱ - فیلم جنم + من
چهار دو دست است که فریدین
۲ - سعید حسن ۱۵۰۰۰۰
است
۳ - فیلمی ساه خواهد
استودیو های ایران حاشر بگاتیه
بیست
آقای علی محسنی :
مطلب شما جامع و کامل بود
شد . سال ۱۹۳۷ در دوره حواست
سید بوشه یاد در حالیکه از ۱۹۳۷
بعد حواست بزرگی در سمنها روی
ماده بود . در حواست این سه مقاله
و مقاله مطلب را تهیه کنید که
بتوانیم بهرج آنها سعادت کنیم
منتظر دریافت مطالب دیگر شما
هستیم
منهد - آقای حمید عیسی
درماری :
۱ - ساسن برای بازی در
ما با نان داد (بجه هزار ریال)
بوزافت کرده است . وی خواننده
کابارها و تاشر های تهران است
و سعادی وی در فیلمس پلا آواز
حواست بود .
۲ - بیك ایستادری متعول
بازی در فیلم سیری است و سیم
های حریص - محسن چچه -
پاپوشی - گوگوش - حسنه تیززاده
از وی در دست تهیه و آماده نمایش
است
بنجورد - علی رضا اوری :
۱ - بهروز وثوقی متولده
۱۳۱۶ در شهرستان حوی است ۲ -
فیلم گاو را هرمدان فیلم بدون
سنسور ساخته و سیری کرده اند و
بطور دقیق منحص بیست که هرگز
چقدر دریافت داشته اند
۳ - اولین فیلم مرجس
(سای برایشی) ایرج قسادی
(چشمه آب حیات) و از سعوان
(بزنکچی) بود .
اراك - آقای اسفندیار رامین
ملك مطیعی دوره طده خود
را در دست سواره نظام داشتند
آسری پادان رسانده است و مدت

ارتفاع متروک

حالات چهره‌اش را در هنگام بدین آن مرد بارانی پوش و هنگام بنشین در داخل ساختمان مشاهده می‌کنیم - (وقایع نوحه است که - حاف چهره‌اش در هر دو مورد، ثابت است) -

خودکشی او همانقدر رایج یا ناگهانی، گنج کرده و غیرموجه است، که برای پیرمرد، و اگر برای پیرمرد، این خودکشی، یک تاثیر عاطفی دارد (کما اینکه بطریق ترس و حیرت زویمت‌را به شک فیلم های خانی رهسا

نمیکند و یا به فرار بگذارد، بلکه آن را با خود می‌برد - و از وسعت اولین تاثیر احساسی خوبی آشکار است -)، برای نتایجی تاثیر یک حادثه جانی دارد (بوسیله فرم صحنه : صورت هفت زده پیرمرد، پاهای سران جوان - با کات های سریع - و تکلیف کارگردان) - و انتظار دادره پیرمرد زویمت را رها کرده و فریاد بکنند، و همین جهت هم، عکس‌العمل های عاطفی پیرمرد - مثلا گریه کردن و سرنگان دادن به نشانه اشوس و تقلید از کارآن جوان - برای نتایجی ضحک می‌نماید . احسرا منظوری (شیراز)

پاسخ خسروهر پناش

شده بود، هر روز هم که مرصحه می‌آمد، می‌دیدم که بدنش میکند شده و تک‌های سیاه دارد، از طرفی دیگر، پانزخری سرو کار داشت که پند و مادر آن دختر خانم او بودند که دخترشان زن یک آرتیست است هم با آن صافه، نبود. و وقتی که می‌دیدند آن دوه گرش رفتند، لوسکو یا فرشتان را می‌فرستادند و او را کتک می‌زدند.

هر وقت سیامک سر صحنه می‌آمد چشمش باد کرده بود. باینکه در می‌آمد و زود می‌رفت که حتی من می‌خوانستم کسی دیگری را به جای او نگذارم. این‌ها تمام حیران کتر ما بود خیلی ساده. هیچ ظلمی

هم نشده، خورده‌اند و خوانده‌اند هم و حقوقان را گرفته‌اند. من بعد از فیلم آمدن که سیامک حدود سی چهل هزار تومن پول دادم به امانت‌های متخرج دیگر، مثلا مدافش را برای آنها را به حال خودشان بگذارم و بعد برای این فیلم تازه بخواهم که برای من کار کنند، فریاد با هفت هزار تومن رفته و قرارداد بسته من هم می‌خوانستم بگویم سیامک اردو بعد برای فیلم بعدی، همین قدر بگیرد نه اینکه چهل هزار تومن خرجش کند.

و بدین ترتیب صداوت به خوانندگان ما و بیخبر این اختلاف میباید، قطعاً اگر سیامک دولت‌اش و «فریاد صادقان» در این ... توضیحی داشته باشند، ما جان خواهیم کرد.

حرفهای پراکنده

می‌تواند نشانگر روشنگرانه‌ای دهد و دقیقه متوسط به هیچگونه نمی‌تواند درگی در صورتوجه از اجزا و هدف کارگردان داشته‌اند، کارگردان بایستی با توجه به شناخت صحیح اجتماع و محیط خود که لازم راه کارگردانی استوار انتخاب بیهیالی آشنا در محیط خود و ترکیب آنها بصوری دلپذیر با قلمنامه با شناخته و تشخیصی اصلی که مورد نظر نویسنده خارجی بوده و بدون اینکه از خط اصلی اثر مورد نظر دور افتد و در این صورت است که نشانگر متوسط با توجه به آشنایی ادبی که به تئوری‌های آشنا دارد رفته با اندکی فاصله پناش نشانگر روشنگر بخش رفته می‌گد.

یک کارگردان واقعی

هنسته قلم‌ا ایدئولوژی خاصی هم باین محیط هری میگذارد که یا ناپایدولوژی خود انتقاد داشته و ردگش را بر پایه آن بنا مینهد و در تمام آثارش ایدئولوژی خاص خود را میگذراند و یا اینکه ایدئولوژی خاصی نداشته و نگاه به این کار میکند، ما کار این‌هاست از کارگردانها را تلف و حفظ ظاهر سازی برای بزرگ جلوه‌اند خوشان میدانیم، همتد سازی از کارگردانها که تم اکثر آثارشان را ظاهر بر اساس نقر از ظم، جنک، دورویی و - دفاع از حق دیگران ما مسجد، ولی در زندگی عادی خود کوچکترین اهمیتی برای این نوع سخنانی اساسی قائل می‌شوند.

شاپور قریب

موافق بودند، تأیید کنند و اگر نودند، نه. یعنی محال است زورگیری که حتی باید تحت تاثیر زندگی من واقع شوند نیست. ● يك ساله هست راجع به هزینت‌های فیلم‌هايتان. يك زمانی بود که زوج فرسوزان و منوچهر وثوق صمیمیت داشتند و شما دو فیلم در فرم فیلمهای آرزو با آنها ساختید، بعد در زمان موفقیت فیلمهای جاهلی دو فیلم جاهلی با شک‌طبعی ساختید و بعد فیلمی با بهروز وثوقی. و حالا چون چند فیلم با حیدر افلم ساختند، شما «فروس» را با شرکت او می‌سازید.

قریب : من به آن صورت بیخود در کارم روی این‌سائل فکر نکرده‌ام و اگر آنها، عقیده‌ی من باشند خیلی راحت‌ترم که با آدم‌های ناشناس کار کنم تا انگشتا این ساله مربوط به ساله رنگت پول است برای تهیه کندگانی که دارند فیلم درست می‌کنند و من هم دارم برای آنها فیلم درست می‌کنم. اگر عقیده: من باشد، با بعدی هر بیستی گنام کار می‌کنم که وقتی فیلم به نمایش درآمد، مردم از قبل، با تمسب آن هزینه آشنا باشند، و فکر کنند که يك دوربین مخفی از زندگی يك منت آدم انتخاب شده فیلمبرداری می‌کند ادامه دارد

زازا کابور

جدیدی نام «فوملی پاپول» به او روی آورده، هر روز «کارامل» خوششان می‌آید و هر دو علاقه‌مند فکر می‌کنند و شاید این مرد، آخرین مردی باشد که جلوه‌مطلب‌را روح این زن دست یابد و او را برای همین در قید ازدواج در بیارد.

«زازا کابور» در این سازه سگید

من هیچگاه در خلق شخصی نمانتم، و امپوزیم این بند ناشی در این طوره باز هم زایش نیابد چون «توماس» را واقعا دوست دارم و وسیله او می‌خواهم صبری در زندگی‌ام بیش آورم اگر این امر تحقق پیدا کند، من واقعا زان خوشتر خواهم شد. و حالا خالصبود منتظر تئیه این ازدواج و خوشبختی احتمالی آنرا می‌کنم.

سام‌پکین‌با

۴۱ سال دارد و در تمام مراحل زندگی‌اش «برنده» بوده و در فیلم «جونور باز» نیز قطعا چهارم موفق خواهد داشت. اشتیومک کوئین میگوید: - من در سابقه‌ها سریع با شکار هشتم و در این فیلم نیز بهین خصوصیت‌هایم رو می‌کنم، اگرچه از حالا اطمینان کامل سه

تئیه کارم ندارم. ● که البته میدانیم «استیو» يك حرفه‌ایست که سنی از او گذشته و متعرب زیادی دارد و در این سن، برای عشق بزرگ «جونور باز» بهتر از همه بنظر می‌رسد. در «جونور باز» ما «استیو» ملك‌کوئین» آنها بازی دارند. آنها الوینو «جونور باز» رارتن‌پرستون وین‌جانسون (برنده اسکار دوم ۱۹۹۱).

معرفی سینمای ایران درونیز

عرب همه آنها فیلم اولشان را بنا بر شرایط کار و دستاوردشان ساخته که برای سینمای ملی بومی قابل قبول بود. سرمایه لازم را راهبهای مختلف بست آمدند؛ از تهیه کنندگان شاخه شده، از تهیه کنندگان جدید و ... (جزء از تلوزیون ملی ایران که (درست مثل تلوزیون اروپا) چشم گرفت که فعلا به کمک نمایان جدید در سینمای ملی باشد.

در اولین جشنواره بین المللی فیلم تهران که در آوریل امسال برگزار شد، همه فیلمهای ایرانی که در سابقه پانزده برندهای دیگر جشنواره بودند، «باین الفوج جدید» طبق داشته و میباید که مخصوص روزنامه نگاران سینمایی خارجی را که در تهران بودند به نیک منضمی فاشنگیر کردند. در میان آنها، باید از «فرگاره» «پهرام» «مغانی» ... یاد کرد که برداشتی خوشطبیع و واقعگرا از داستان یک آمریکایی در یکی از محلههای پست تهران است. و همچنین به «چشمه آبی آروسیان اشاره میکنم که یک کار به حد نثری است. ریشه در تاریخ، آداب و آداب و ترکیبات تصویری چشمگیر -

تا اینجا، شاید بهترین فیلم ایرانی امسال «پنجشنبه» داریوش مهرجویی باشد که چهارمین کار اوست. در یک نظر سطحی، «پنجشنبه» داستان یک کارمند دولت و یک شوهر نابالغان است که به تدریج از هم میپزد. در نظر میرسد که فیلم اشاراتی ضمنی به مسائل اجتماعی دارد. در حقیقت بیانیته «دنیای سوم» درباره مسائل از قبیل شیفته شدن در کشور چون ایران است که دارد بصورت بدل خدمت مصرفی میشود.

سبب از منتقدین ما تا بحال «پنجشنبه» را فیلمی خوشندانده حساب کرده در عین حال ما امیدواریم که این فیلم همچنین اولین محصول سینمای ایرانی باشد که بطور تجاری در غرب توزیع شود و دستش برآید.

رمانهای آینده، احتمالا شاهد تعداد بیشتری فیلمهای خوب داخل خارج بود. نمونه اشاره میکنم به «صالح کرمان» ناصر تقوایی که مطالعه روائشناسی درباره یک قافل مشهور است. و همچنین فیلمهای دیگری از سعید کیمیایی، کامران شریف، فریدون رهنما، و روزبه کیمیایی، ابراهیم گنجان، و دیگران - اینها را بطبع الان فراموش خواهید کرد، اما در یکی دو ساله آینده با فیلمهایشان در جشنوارهها برخورد خواهید داشت.

«صالح کرمان» فیلم دوم تقوایی است. فیلم اولش بنام «آرایش در حضور دیگران»، که مطالعه خوشنداندهش درباره از هم پاشدگی فساد و نابودی در سطح خانواده است. «دومال قبل ساخته شده و هنوز اجازه نمایش عمومی نیافته است. تقوایی چندماه قبل در اینجا، در سابقه فیلمهای کودکان، جایزه اول را برای فیلم کوتاه و بسیار «سایه روانی» گرفت.

آنجایی میباید سینمای جدید ایران، بنامیم، در این مرحله از رشتن پامه مانع انسانی و روبرو است که هر یک از آنها میتواند برای ادراک، حیانت مملکت باشد؛ شکست کوششهایی که برای ترغیب دستگاههای دولتی جهت ایجاد یک قانون کمک به سینمای خوب تدارک رفته (و منظور من نوعی قانون است شبیه آنچه شما در ایتالیا و از طریق وزارت جهانگردی و نمایش و بانک ملی کار دارید). طبقه عمومی مردم مستشارو که در برابر فرآوردههای سینمای سنتی احساس راحتی بیشتری میکنند. و بلاشرف مقررات و نحوه اجرای مانور - آینده نمایان جدید در سینمای ایران بستگی فراوان به مصلوات احتمالی در این زمینه خواهد داشت.

فیلمسازی آماتوری

صورت اولتیم کرده بعد روی صورت دومی و این عمل جدیدی است در موقف فیلمبرداری تکرار میشود. تنظیم مکرر مراز عینی که فعلا محل آن تعیین شده بکمک یک آستان انجام میگردد. بدی ترتیب هر موقف که فیلمبرداری بخواهد صورت اول را ت بگیرد (طبقه تنظیم) روی صورت او هر موقف که صورت دومی را بخواهد ت بگیرد آستان مراز عینی را روی صورت دومی تنظیم میباید و این عمل در حین فیلمبرداری تکرار میشود.

ضایعه را نشانه نگیریم

رامی تواند انتخاب کند. آپوکالیپس رمان ما و یا شکم برآمدهی یک پیشخدمت. در اینجا فرق که بین انقلاب و آن پیشخدمت هست به طرز برواری موضوع مربوط است. نژاد آپوکالیپس موضوعی بزرگ می باشد. در حالیکه دعوی مسایه موضوعی پیشیا افتاده است. فیلمی از موضوع آپوکالیپس می روم و حاصل چریت از گسار دومی آید آپوکالیپس به هیچ زمانی وابسته نیست. و دعوی مسایهها نمایانگر این است که این سوز هیچگونه حقیقتی در خود ندارد. و در میباید که «آپوکالیپس» مسایه دعوی مسایهها یک حقیقت بوده. منظور من از مثال فوق این است که تم بزرگ روم کوچک هیچگونه برتری ندارد. آنچه به شیمی حقیقت اهمیت میبخشد دکورفرمدهی است امکانات سینمایی یک شهر مردم از یک منظره کوهستانی بیشتر نیست اما احساسها مربوط مورد اول میشوند. من فکر می کنم که تم کوچک و با تم بزرگ وجود ندارد زیرا هر چه تم کوچک باشد تطبیق و تصویر بیشتری می توان در آن داشت. در حقیقت فقط «حقیقت» وجود دارد. (۲)

اجازه بدهید این را هم از کتاب سینمای سوم ترجمه شده.

بگویم و خلاصتان کنم. نکته چنانکه در مورد این نظریه این بود که انسان نظریه بدسکور رایج، نمیدانند که متعانه باید بگویم از نظریه چندان هم رایج نیست. اگر چه بود این چنین وضعی پیش می آمد که سینمای نامدی مشی «سینمای آتش» (از نویسنده موضوع های بزرگ) به صرف هیبت کردن تا شاگرد شوند حتما روی اکران بغداد در حالیکه سینمای خالص و زلال مثل «بولونو» بزم نصیب نویسای که بر آن شد موضوع مادیای داشت) با وجود «عازر» به عنوان پشتوانی برای حضرات فیلم شناس و «جان وین» برای حامی تا شاگرد به منضم دو هفته روی اکران می ماند. و چنانچه بر خورد منتقدین با این فیلم بود آنکه تعریف کرد (پاکت فیلم عالی. استاد سببا ... «عازر» سینماگر ... «بولونو» یک فیلم گرم ... و آنکه بد گفت آفتاب برده بود که آدم نمیدانست فریاد بزرگ و یک گند و با نوری سرش بزند.

(۳) این ترجمه خیلی خلاصی تمام متن بود. این متن بطور کامل از کتاب سینمای سوم ترجمه شده.

آنچه که شما در تمام نثریات بدنیانتان هستید یکجا در نثریه آینده آل خواهید یافت

شماره ۵۶

کتاب جدول

را همراه با دهها جدول ابتکاری و دو جدول بزرگ از روزنامه فروشیا بخواهید.

فقط در: سینما امپایر



هیتلر

جر جیل



جبهه تانکها

DIRECTION OF THE MAIN ATTACK

۷۰ میلیمتری باصدای استروفونیک



روزولت

استالین

قابل توجه فیلمسازان محترم

تعداد يك عدد لتر ۱۸ مربوط به دورس آریستکس متنق به استودیو ایران فیلم دارای شماره ۶۱۷۹۵۲ مارک کولن (کیار و هوسون) ضمن فیلمبرداری مفقود شده است چون جریان از طریق قانونی تحت تعقیب است از هنگامی که خواهش میشود در صورت مراجعه برای فروختن در حقیقت شده ، از خریدن آن خودداری بفرمایند .

ساموئل خاچیکیان

آزیر فیلم - میدان فردوسی - شماره ۳۰۳ - طبقه چهارم - تلفن ۲۱۳۲۷۵

گزارشی از چهارمین جشنواره

تیموریسون های صوری هوشداران و ...
موسیقی که دامنه‌های بی‌شماری را دربر می‌گیرد ...
روزگار ...
کوشش و ...

بوتیک نامزدی

حاجه فریح شمیران به راه لب حفت



کارگاه شادمانی

● ما شمس ستایش از اسبمه در مین و سالگی که ...
بدرکاری به تهیه کنندگان فیلم اظهارات مشارالیه از نظر جسم ...
برای پیشنهاد میکنیم که برای رفته قابل تصوری ...
تحلیل از مقام این زن و سرای اگر دوشیزه - فرسند ...
شد در تاریخ فلمی سلکژانبارک از انتخاب شده بهتر ...
الته نگارگرانی فرضا صفائی از روی این زندگینامه که شرح کامل ...
آن ما جزئیات در دیرخانه کارگاه که برده است شرایط ...
موجود است. تهیه نمایند و توسعه و بهیچ می‌تواند وظایف خانم ...
میشود که برای ابگوی دل ایشان را در آن ...

نظرها

«لکوموتور»ان و رویای خیالی

این فیلم آینه‌های عکاسی است از زندگی فرزعی، آریزید جهان، این زندگی را در هر چند دقیقه می‌توان به اندک تغییراتی دید. زندگی مرتبی است که دنیا را به نظر لکنهای شروع می‌گذرد. آنها از طرف پوچ زندگی می‌روند و دنبال واقفیت می‌گردند.

«لکوموتور» مردی است که می‌خواهد تنها در لیست باشد، با دور ریکهای زمان را باطیای ندارد از زندگی را با همه واقفیتش که نس می‌کند. تنها واقفیتی که او می‌تواند بزرگ کند آنست که «دو تا چهار تا زمان»!! هنگامش

بیز چون او و ساندا (پرش) بیز فکر پدر را دارد.

در لکوموتور «پرش» جرمی یک تصویر کلی از زندگی این همه پست می‌دهد. داستانم به هم پیش می‌رود و هر حاله زائید، ما را قلی است و هر چیز ترکیب اصل واقفیت. «لکوموتور» با آن صفتیکه ذکر شد طبیعت است که می‌تواند در آن اجتماع راحت زندگی کند. روی این اصل فقر داستان را می‌گیرد. لکن او هنوز دنبال ایستادن می‌رود: «سرای از نامانی» فقر می‌تواند کمزور او را خرد کند، او و رفیقش از همه اینها می‌گذرند.

این فقر ما را خوابانه او را می‌گیرد و دستر لکوموتور مجبور می‌شود «چوراب» سوراج سوراج» بپوشد و با فقر زندگی

کند. این دختر احتیاج به نفس دارد لکن چون آرزو هایش برآورده نمی‌شود دچار بیست و دو فقر می‌گردد. در مراحل زندگی دلس وی را می‌گیرد. این فقر روی پر لکوموتور هم اثر می‌گذارد و او را یک کساحقال ترحیم لاهالی بازمی‌آید بطوریکه صبحها تا ساعت یازده می‌خواند. «ای کوچک» اینها را می‌بیند و حسرتش را در چشمش می‌اندازد. این فیلم را می‌تواند با تمام اینها در عرش به آرزوش برسد او در حال حاضر زن می‌سپرد ۱۱ لکوموتور را «پرش» جرمی کارگردانی و خود در آن ایفای نقش نموده است. «سایلا کوشن» خوب ترین فیلم بازی دارد. فیلم از فیلمبرداری و نورپرداری بسیار خوب و موزیک بسیار عالی است. در این فیلم «پرش» جرمی

پس چشمه کو؟

مورد حنات و تنوچ واقع حدود فرار دهند. اگر امروز «پرش» ظاهره پرزدان افغان، فکری بحال تهیه کنندگانی کید که در این زمینه سرمایه خود را متضرر اندازند و دستگاه تلویزیونی دنبال آنان است و به پولهای باد آورده دیگری، اگر واقعا همین حرفها که گفته شده سراب است، پس چشمه کو؟ پس چشمه کو تا نشانگر ایرانی از غده گوازی آن نبوده و نشه دیدار قلبهای خوب را در وجودش جای دهد و افتخار کند که کشور مهم دارای یک سینمای واقعی است.

که سرافراز و پیش رود. اکنون که اندام نظاری در زار داشت بر می‌زد. این سوال پیش آمده که چه آمد عنوان فیلم خوب و وقع داشت که مورد حنات فرار گرفت نه تنوچ و تنجین و جازه او و سمانی امروز ایران را دوا می‌کند.

این وطنه وزارت فرهنگ و هنر، خردان تهران، اتحادیه سابع فیلم ملی ایران و صدنگای هنرمندان فیلم ایرانی است که واقعا چه کنندگان قلبهای هری را بفرطین که امکان بدر است.

پشت پرده

محمود کوشان و فیلم تازه زورگ خواننده جوان هنگام اجرای برنامه همراه ملک مطیعی بازی می‌کند. بیك ایمانوردی نیز فیلم گدایی میلیونر با هفت نفرانی، کاسیر کوشان، حسن رضائی و حبیبی، مهرداد حسینی است مدار موفقیت فیلم با آن داد بازیگر موجب تهیه کنندگان خوبی می‌گردد. وزارت ناو قرارداد مهم می‌کند.

خواننده یا هنرپیشه جدید

● مدت زمان فیلم که خواننده سرشان است.

رویدادها

موان «آواره» را انتخاب کرد. این فیلم را که در احوار فیلم برداری میشود خوشک منطوری. در این فیلم به چشم می‌آید. «آواره» را شماره آینه باطالع می‌نامیم.

صدابرداری شلاق

● اندام موناژ فیلم شلاق تاجه دور دیگر صدابرداری این فیلم در استودیو ایران فیلم آغاز خواهد شد. در شلاق که اولین محصول سازمان سینمایی روم می‌باشد ایرج قادری، از خوانان اسرانه، بدی و بوتهما و چند چهره جدیدتر کتدارند. سارست و کارگردان شلاق موهجر فلسفی است و توسط قاسمی گمان‌زدوا می‌شود که قرار است با شرکت آغاسی آریزید در مصاحبه آغاز نماید.

آواره

● ماس کشای برای فیلم تازه خود که قرار است با شرکت آغاسی آریزید در مصاحبه آغاز نماید.

دوست گرمی آقای ناصر ملک محتمدی

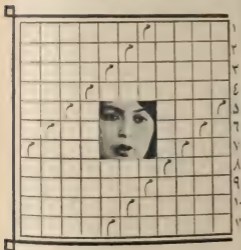
با هفت ساعت و ناز هفتس ازده از سبب قلب سبب گنه و لایمی نامدارگان آن گروه را. خانواده معالی سبب بازی

● شماره ۲۷

برنامه این هفته گروه سینمایی :

اونیورسال - ایران - پاسیفیک
 مهتاب - کریستال - تیسفون -
 سایفا - پرسپولیس - مراد -
 موناکو - دریا - کارون -
 داریوش - آستارا (انجریش)

جدول این هفته



الفی :

۱ - همه شده فیلمی بلوغ و حکیمانه است. در این فیلم
 تیم عرب و قیصر جاب عوان فیلم با شرکت انیس و سوسانا
 بخاری که هرینه فیلمی باری خطرناک و رقابتی است. در این فیلم
 زاده استیلا بازی عالی - نادره است که گاه در این فیلم
 در این فیلم فیلم موهب - عوان فیلم با شرکت
 جس معید لا - نام کوچک همه گنده فیلم مردان بخاری
 یکی از هرپینگان فیلم روسی است. عوان اولی فیلم جویی کسری
 معروف که به سیما رادیات است. فیلم از جدت و سوسانا
 هرینه معروف تأثر که با فیلم تنگ ازدها سوسانا
 کسری

طراح : عطی محمدی (اصهان)



برگری و عطش برین حماسه تاریخ سنا
نرتره وسع ۷۰ میلیمتری

فقط در:

سینما ریولی

ساختاری رنگه از آخرین روزهای حکومت آلمانی
باری جادگنی گوئر و بر لبغات و هسلر استوای سنا
آلمان - حمله به کبج رانساک و سقوط برلین - کفر اس
باشا تا تک جرحیل و پروولت و اسانس رهبران نیرو
جنگ نوم جهانی و دنیا واقعه بزرگ تاریخی دیگر ...



نبود برلین



۷۰ میلیمتری

با صدای استریوفونیک



رنگی - درختان

فیلم شناسی

حل نجات جنول

حل نجات جنول
این فیلم در سال ۱۹۴۵ میلادی در
فرانسه ساخته شد و کارگردان آن
ژان پل سانسون است. این فیلم
در مورد نجات جنول از دست
آلمان نازی است. این فیلم
در سال ۱۹۴۵ میلادی در فرانسه
ساخته شد و کارگردان آن
ژان پل سانسون است. این فیلم
در مورد نجات جنول از دست
آلمان نازی است.

این فیلم در سال ۱۹۴۵ میلادی در
فرانسه ساخته شد و کارگردان آن
ژان پل سانسون است. این فیلم
در مورد نجات جنول از دست
آلمان نازی است.

این فیلم در سال ۱۹۴۵ میلادی در
فرانسه ساخته شد و کارگردان آن
ژان پل سانسون است. این فیلم
در مورد نجات جنول از دست
آلمان نازی است.

این فیلم در سال ۱۹۴۵ میلادی در
فرانسه ساخته شد و کارگردان آن
ژان پل سانسون است. این فیلم
در مورد نجات جنول از دست
آلمان نازی است.



● به آنچه از این فیلم جالب است
این فیلم که در سال ۱۹۴۵ میلادی در فرانسه
ساخته شد و کارگردان آن ژان پل سانسون است.
این فیلم در مورد نجات جنول از دست آلمان نازی است.
این فیلم در سال ۱۹۴۵ میلادی در فرانسه ساخته شد و کارگردان آن ژان پل سانسون است.

نظرها

کافر

خبر دهی که کن میکند



● فریبون گله با فیلم خود
 بود دهمه يك سينماي بوردنيرو
 سكر و قابل ست را حواست داشت
 به تماشاگر نشان دهد براي
 حسني بار شاهد كار يك تاره
 وزرد و حوش هشتم تارمباردي كه
 فلا او را در مقام سازيست फिल्هاي
 به چندان چالبه ميلمدم - كافر
 تمام وپوشش ازكيبه و ازواسطي
 سلو ميباشد در ابتدای فيلمي بيستم
 چهره مهدي كافر را كه سلو از

شادي و نم است شادي مناظرانكه
 از رسن جلاسي ياق و عموبر
 آنكه بايد در اين پس شاهچهره
 رهنماي باب باشد - آمدن كافر
 و دين آن دلروسه و چهره ي
 خشكيه آنش نشان دهمه انشام
 است - و در اواسط فيلم مشاهده
 مي كند كه با سازره ما حسن ملا
 اين كيبوت و كيموش از سن
 سپرده تماشاگر مينمايد منصوره
 آكتور فيلم چيست ولي از طواهر
 پيداست كه ميخاهد حرفايش را
 برمد و حالي براي خود سازد
 انظار كيبه من دتر ديتنوشري
 ساره هرچنين راه رفتن در كويچه
 و حياتن مخصوص راه رفتهاي
 سنده مهدي كافر در اين كويچه
 جيلي مناظر آور اما اندكي گل
 كنده سطر مي آيد صحيح شدن
 چهره ازها در گذرگاه موهود
 خالي بود تمام اشياوات وازشهاي
 خوب فيلم از ابتدا تا اواسط فيلم
 است ولي دو كوفه رفتن كافر و ركك
 خوردن او و پرياشتهاي ديگر آن
 گمي نصف داشت سگاسي آخسر
 به نظر حيلسي زياد مي آيد سوط
 مهدي كافر حال بود و طبعي اما
 باطن دني داشت مينمايد گله در
 اين او آخسر چرا با صله پيشرفته
 بود .

در سوريه كيه سوزه فيلم نامم

ماد و تماشاگر ماحظراي نامماده
 از سال بيستاي بيرون ميروند چرا
 كه تماشاگر خود انظار ديتنوشري
 وسته حس ملا را داشت كه آهي
 را با دست قانون مينارد باوجود
 اين حرفها بايد از برداشتهاي خوب
 كه مي توان اختيار كلي سر آن
 قائل شد مستحاي و دوجورده كافر
 و حسن ملا در كويچه و ملات طهر
 كه بطور طبيعي و فوق العاده چالب
 ارائه داده شده بود قدرتي كرد
 آرزو داريم كه فيلسازان جوان
 و با استعداد ما موفق گردند تا در
 همن روال फिल्هاي ارزنده تر و
 ريز براي نسل جوان نسل نو و
 نسلي كه با फिल्هاي كوني ناسي
 ندارد پيش روند

حسين كوكالي - يد

تبلي

يك فيلم نو و متفاوت

● تبلي سرگشت آندهاي
 ساده و رواني اين زمان است ،
 قصه آندهاي نعيم و دانيون
 كارگر هاي اصلي اين فيلم گرفتار
 در نابودي حوشه و نيم سانه
 و باكتك هشت ، زندگي و واكنش
 مي كند به خاطر نيل به هدفها
 آرزوهايش اما سرشوت غمخه
 ديگرى رايشان نوشته .
 تبلي ولسي قرباني مانگي و
 صميمتارن مستوبند - فيلم جاكيني
 است زيور از شرح اين قرباني
 هاي اجتماع مظهر كارگر ناسي كه
 ميخواهد حوشن داشته به نازچيه
 ديگران .
 آندهاي فيلم تبلي در ميان

ما و همعا هشد و سول حورتن
 مال هيج جلمه نيسد ، اين فيلم
 با اجاد يك فضاي نو و باصالح
 اثرى فراوان نشدني در سماي
 ايران مي يابند كه در آن از ظاهر
 برداشتهاي منادوله اثرى
 اولين توفيق مبرورجي كارگرتار
 در برابري صهاي كارگري است
 نشان يك است كه اين امر را به
 بهترى تصويري انجام داده با انتخاب
 مكانهاي مناسب و فضاي بكر و
 مستحوره بدون اينكه تماشاگر
 مستحقه خاصي باشناسي مردم آن
 منطقه باشد و همن صحواي فيلم
 را در سطح بين المللي تعميم يابد
 نهد . پس از آن پرداخت آندهاي
 داستاني است كه اين مهم را هسه
 مبرورجسي بلكت تصاويري نشيلي
 و سليلك و نمد مارگران فيلم
 انجام داده و از اين نظر لطبات
 درختاني از بات پرداخت و شاست
 پرومازها از خود نصاي مي
 گذارد .

نما خوردي كه در فيلم تبلي
 نجيب و رواني است تكيه بر سكي
 حليم رري حوشكام است و چند
 صحنه دوجوردهاي آريستي كه
 حتما براي توجه به حواست مردم
 بوده ولي باز شكر مي كند كه
 هرمدان در جنگل بدون وسايل
 طرف نرزدند و زلفيدند
 هوزيك نصين انگيز مفرزانه
 از اشياوات مناسب و مستحقبات
 بازي همايون درختان است
 غلبي و زكريا هاشمي و هنجيس
 هرام وطن پرست نامت كرده
 هريشه خوب به چهره رما و
 ترو تميز بازي بردار

غريه

تنها علاوه عشق

● سخن رانند در باره فيلم
 غريه يك چيز شاق و مشكل نيست
 غريه از دو عمر نهائي و عشق
 بوجود آمده كه حاس مارنند صلي
 راحت آرا به خورد تماشاگران
 ميندند فيلم با وارد شدن فاسيسيه
 از زلفان شروع مي شود و بعد
 هيسطور باطاق حوشن و حيرت مند
 به كوتور مردمان كه نوبه سگسي
 از يك كار تميز ميندند چرا كه
 سرشوت قلم را بخوي بازگو



مي كند و فيلم در لطبات اول خوب
 به جلو ميروند اما رفته رفته دچار
 نوساني بسيار از جانب سازيسو
 مي شود و همچون كلاف سردگيم
 دور خود مي بيند و هسد دارد
 تماشاگران ساده را در دليره فرو
 برد .
 سازيو در مطن داستان حويي
 را با خود دارد ولي آرا هرگز
 نمي تواند پرورش نهد و فقط در
 شخصيت سازي چند آدم تا حدود
 نسي حوق است كار ناپور فرما
 در همان سطح رفايه و كاكوايب
 و گاهي نيم جيزي هم پالين تر

ایرج صادقپور کار درخشانی ارائه میدهد، نورپردازی اوهر که است و اینچنین حاصل تلاش این گروه جوان است که تیلی را یک اثر شاد و نو ساخته است. **جنید گنتاسی (آنادان)**

کابوی نیمه شب گریز از لندن



● کابوی نیمه شب نگرش است صیقله به ظاهر فریبنده‌ای است. تزلزلگر در این فیلم قدس دارد تا برده از ظاهر برزق و برقی یک شهر کنار زند. فیلم با پایان دردت از یک برده در اولین سینما واقع در نگرش شروع میشود و نشان میدهد که زمان، زمان بعد از کابوی است و بعد باقرمان فیلم جوانک آخرین بازمانده این نسل آشنا میشود. آشنای ما با او مقارن نمیشود با تحیات و اعمال او برای رسیدن به بهشت موجودش نیویورک و بعد طی چند سالن سریع و حساب شده گذشته او را در میباییم. **مخزانه شدن جوانک**

با آن پیرزن منحرف مقارن میشود با فیلیسا و تیلیان رنگی لوزیون (سبل طوهر) یک جامعه پونالی) روی در حقیقت چیزی جز همان عشق‌بازی کره و زشت با یک پیرزن نیست. **فهرمان دیگر فیلم‌جوینست** منحرف بنام راتسو که به بیماری سل مبتلا است (نونه باک اسان مجاله شده در این جامعه). راتسو هم میتوان گفت یک جوانک است که آرزوی دیدن شهر طوریدا را دارد. ولی طلیان او را علیه نیویورک منحرف شاهد میشود (سمنه‌بانکه در خیابان جلوی آن اوجیلدا و فریاد میکند). **رنگی** سرد او با یک خانه متروک سر - خورده‌گی او را بخوبی نشان میدهد. او از جوانک میخواهد که او را راتسو صدا زند و از خود سیریز شدن او را میرساند. **جوانک** با تجربه‌های تلفی نیویورک را بخاطر دوستش ترک میکند و ما درکناس شاهد انداختن شدن لباس او را به وسیله خوشی در زیاده میبینیم و این در حقیقت از خود کنده شدن او را میرساند و بلافاصله بعدش در جواب آن زن که میل افلاشتی را میبرد، میگوید نیویورک آنها را فیلم ترک کدام سبلی از یک اجتماع بیمارگونه و طبل خنثی آنها را هرچنین گرا، مازولگیستی سرخورده از ندای مانیفیزم. خلاصه اینکه کابوی نیمه شب فیلم خویشات بازمی‌آیند های سنجیده، پرداخت عالی و بازیهای خوب جان ویت و خصوصاً دانستیس **دافن** **محمد نظریور (آنادان)**

فدائی

یک فیلم ناموفی

● «فدائی» قسمتی گفته در ابعاد شاد و ناموفی از فیلمسازی است که شاید موعود هم نداند برای چه به سینما آمده است. این دوستان ساخته وی است با فضای با سماعی و مخلوطی از معیار های جدید و متروپدیا فیلدهای قدیمی و یک متن حرف که حتی سر را هم گرم نمیکند و هیچ کسش هم تولید نمیکند. «علامه‌زاده» در طول فیلم آزار دهنده‌وست کندش با هیجرا طای

می‌دود و همانطور کار نمی‌فیلد - بردار و ایضا موزیک فیلم بد است و تنها تکه مثبت فیلم متناسق معمول متوجه بازی **پهروز توغی** است و همچنین پرویز فی زانده به نقش عیاش که صمیمیت این مرد را در بازیگری در نقش معلم فیلم **رنگار** و دوست صمیمی و درنگوی **قاسم** در این فیلم **مخلوطی** میتوان مشاهده کرد.

جواد حسینی (شیراز)

میتواند با نشانگر ایضا آمد حتی با آن سکانس رخصت‌باز که اصولاً در چنین سکانسهای نشانگر تکانی به صورت میدهد و چنته و گوش نیز میکند. در چندین مورد هم احساس میشود که فیلم تمام شده است و فقط احتیاج یک جگنه دارد و عجب اینکه لیلی برای گفتن این جمله پیدا نمیشود - **کریم** در آن ناتوق بین راه با هرصای آنجوری می‌تراست تا گفتن حقیقت از دهان مسلم خاموش شود ولی فیلم میخواهد ادامه پیدا کند و اگر ایترآ اجباراً قبول کنیم مرحله بعدی را بهیج عنوان ما بوجود نمیشود قبول کرد منظور هرخورد کریم با پری در اطاق بریاست و اینجابه با اینکه پری می‌تواند قفسه را ختم کند، نمیکند. **ما** پناه های مصطفی را برای ادامه پیدا کردن یک فیلم قبول نداریم، ایضا قبول کنید آنها دیگر چاره نیست، لوس‌بازی است. چرا که ستاروی پیش از تخریب نیست و همین یعنی اشتباه سی اجبارانمان ندای سوه نظام و انتقادی که در «کسب قانون» بود در اینجا نیز رخه میکند و اما نهائی با - **ملوس** یک حرف بازی دست - **جمعی** دست میزند، بهانه‌های ناتوانی کریم در سکانس رخصت‌باز برای ادامه فیلم انسان را یاد «تلیس» مماندازد و این دوز و کلک برای سر و ته هم آوردن یک فیلم جزئی اینکه یاد نشانگر نیویورک گذارد یک نواز متحرک میگرد حاصلی ندارد. **آدمهای اضافی** در سرتیتر فیلم موج میزند نودوش درویش و آن آدم فقول (کارگر باهانه) است. تنها شخصیتی که تا حدودی جانانانده است آن شوهر اتوموبیل مسافر است. آن جاز دارد از دو سکانس «گل بازی» در فیلدهای درویش و **هرک کریم** در طول فیلم دو ساعدهی کل کشندهی «علامه‌زاده» یاد کنیم و این را هم یادآور شویم که «وارزان» در این صحنه فیلمهای دیگر صبح موزیک متن قیصر را ارائه میدهد و توغی از او نیست که فیلم باید حال دلالت پندت تا در گزارش تمام عوامل جانانه ارائه شود.

محمد رضا داری

ارتقاغ متروک

یک فیلم از گروه سینمای آزاد ایران ۴۸ دقیقه‌ای را که «بهنام موعاری» فیلمساز سینمای آزاد ساخته، بجز در جشن «سینمای آزاده»، در تلویزیونی ایران، برنامه «آغاز» هم به نمایش درآمده (والته در «جشن هنر» هم) و بهیچ جهت معلما همه این فیلم را دیده‌اند.

● فیلم از این نظر که فیلمساز آمانوش، بر «تکیه» در یک حد حرفه‌ای تسلط دارد، قابل توجه (و نه الزاماً با ارزش، چون فیلمساز از این تکیه در یک حد خیلی سکانسی - درحالیکه فیلم اقصا نمیکند - بهره گرفته، خصوصاً در صحنه فرار آن سارق از بین اتوموبیلها - که نشان میدهد فیلمساز قصد به «به رخ کشیدن» تکیه را دارد) است. مهمتر از این، ناهای فیلم برای بیان **می‌دهی** و **پوچی** - نفس پوچی - دست و مناسب بدیال هم قرار می‌گیرند و درویش در خدمت این «ماهیه» قرار دارد (ما های طولانی از جوانان در حال روییدن - با سادگی یکواست - پشم پاک کردن پیرمرد - همیشه همان تکه پشم اولی - فقط نظر های ثابت درویش در آن دوست آمدن جوان به ساختمان متروک، تیراندازی بودن آن مکان - اینکه هیچ کارگری در اطرافش نیست) اما در مقابل، «عدم شاعری» شخصیت وجود دارد (تاچالیکه متلا در نشاندهی قصه پیرمرد به «کلیشه» و تسبیح - در اعمال ما صرفاً جوانی را می‌بینیم که می‌رود آن بالا و ترویج می‌زند (و بهیچ جهت وقتی کارگردان روی ترویج زند او تاکنیمیکند، به نشانهای متلا «بهدی» را القاء میکند، بلکه صرفاً بنظر نشانهای می‌رسد که برای طولانی کردن، فیلم است). او عاشقش از ما دور است، که از آن پیرمرد دور است (فایله مکانی - از پیرمرد - در فایله احساسی - از مراد) - در حالیکه ما برخلاف پیرمرد، او را از درون ساختمان می‌بینیم و متلا **بقیه در صحنه ۴۲**

گزارشی از چهارمین جشنواره فیلمهای ۸ میلیمتری

از: جمشید اکرمی

هوشندانه در آن تک‌نشان محورکننده غروب آفتاب در یک افق می‌رک بر فراز دریائی که دیگر «آبی» نیست، مسیولیزه می‌شود. فیلم، طبعی آن مونولوگهای کوتاه روایتی، تکنیکی استوار بر «تصویر» — به عنوان یک عامل بانی دارد و از یک موسیقی بومی موز و هانس نیز یاری می‌جوید.

تاساکران سینمای آزاد نیز یک دیپلما افتخار به خاطر هره فیلم «حسن بی‌هاشمی» (مهرت، کالنگهای ما دوست داریم، ازین خواست) بوی دادند.

ازخواست، جایی قلعه ماند در ۱۶۰ کیلومتری جاده اسفهان که یک سینه لمطیری دارد، سوژه — احتمالاً — نصبتن فیلم مستند سینمای آزاد است که فیلمبرداری بسیار تمیزش امتیاز عمده است. فیلم گرچه پرداختی مستند و ارزان دارد، اما در هر حال می‌گویند که حتی المنصور فاقد خشکی و بی‌لطمی فیلمهای از این دست باشد. امتیاز در انتخاب نماند زیا، جای دادن که گرگی ارضی در بافت فیلم و بخصوص بهره‌گیری از آوازهای دلچسب فولکلوریک کوششهای موفقی است که نشانای آن ۸ میلیمتری ۱۷ دقیقه‌ای مستند را پراستی قابل تحمل می‌راند.

در «کالنگهای ما دوست داریم» کیوزیسیون های زیبا و شاعرانه بی‌هاشمی در اوچندویان تزلزل او درخشش و شفافیتی بیش از همیشه دارد. فیلم، یکمست و روان پیش می‌رود و بی‌هاشمی در خلق رنگی با سوانگیزی که رضایی فیلم حاکم است، تسلط کامل نشان می‌دهد.

● «هنام جفیری» نیز همین «حسن بی‌هاشمی» بسیار حرفها برای گفتن دارد. از آنجاست که روزهای روشن‌تری را در انتظار دارد. همان‌که خاطر تازه‌ترین گزارش «ارتقاغ متروکته» برنده مسعنه سینما جشنواره شد، دو فیلم به‌جشنواره امسال عرضه کرده بود که در آنها دو چهره متفاوت از خود نشان داد. چهره اول، آن بود که در نظرداد شماره ۴۴ بدیم واین با استنا به چند فیلم سابق وی، چهره آشنایی بود. این فیلم او نیز، همچنان که فریاد (۱)، رخشندی است به سینمای فارسی در یک قالب محتای و جواب آنکه این بار همان بقیه آن فیلمهای را می‌چسبند که به اصطلاح داده، هنری بودن نشاندهنده و لطفات شخصی از این فیلمها را — که اتفاقاً از بدترین لطفات این فیلمها بوده‌اند — با لحنی کاشی و صنعت بیشتر در قابلهای کمیاب بازسازی می‌کند.

فیلم، از یک تیراژ بدیع و هوشندانه که نوقی سرشار را در پس خود نشان می‌دهد، به‌صورت مستعداتی از فیلم «چشمه» می‌رسد (یک پلان مربوط به شرکت آن مونث کاشفی که سه بار تکرار می‌شود) و نیز آن مستعدال کردن چند... پس از این هم آن‌را بسته فیلسوفانه «جدول شرب دیواری» از فیلم «آمنک» را داریم که با شرکت خود هر دانش ساخته شده و این کار او بخصوص با توجه به آنکه سپس از هزینه تهیه فیلم را نیز پرداخته است (فیلم با یاری مالی «سپهر-اسپی» و «ارضا میرواحی» و «خسرو هراتی» ساخته شده) قابل تحسین شریعتی به‌رود است و جایگزین زنده آنکه در روای تمامی این مستعدا، تصاویر که به‌گویی از آن مرد مرزبان آنتهای فیلم «فرگبار» می‌بینیم که همبنا سرگ می‌کند و مستعداتی ناظر بر اوضاع است.

«فرحان فرید (۲) آرزوی حتی بیش از ظرفیت یک فیلم معمولی ۸ میلیمتری نشان می‌دهد و آجانبان طرف و باهوش ساخته شده که

چهارمین جشنواره فیلمهای ۸ میلیمتری که از دهم الی چهاردهم مهر در آصفهان دانشگاه آریانه برگزار شد، از نظر کیفیت برگزاری به‌صورتی محمل آزاد باقی نهاد. فیلمهای این جشنواره هر روز در سه سالن ویژه اعضای سینمای آزاد و یک سالن ویژه دانشجویان آریانه نمایش گذاشته می‌شد و این به‌ویژه جوانگویی نقاشی دوستداران سینمای آزاد برای نشانای فیلمهای جشنواره چهارم بود.

فیلمهای نمایش داده شده نیز کمیتهی ناظر به‌تر از فیلمهای جشنواره‌های پیشین داشتند و این البته طبیعی و قابل انتظار بود. نیز قابل انتظار بود که جوایز اصلی جشنواره امسال را هم دو سینماگر سرشار این گروه، «هنام جفیری» و «حسن بی‌هاشمی» از آن جوینانند. چرا که در حال حاضر، این دو سینماگر آمانور آجانبه خود ثابت کرده‌اند، «چهره‌های برتر جمع فیلمسازان سینمای آزاد هستند. البته این ضاوت ما صرفاً بر اساس فیلماتی است که از این دو دیدیم — که کیفیتانی شهود کندتر داشته‌اند، و گر نه، چه‌جا در میان سایرین نیز باشند استعدادهایی که هنوز خود را به‌صورتی نشان نداده‌اند و با آنکه هنوز به‌بیشترین فرستهای خود برای خلق فیلمهای برتر دست نیافته‌اند. به‌رحال جای خوشوقتی است که حتی در شرایط حاضر نیز بسیاری از اینان سخت امیدوار کنند می‌نمایند.

«مهرت» حسن بی‌هاشمی که نسخه زمین جشنواره را از آن خود ساخت و اثری است که از لحاظ لحن و حالت mood فیلم فنی این سینماگر «فوح» را بیاد می‌آورد و نیز حساسی حاشی با «کالنگهای ما دوست داریم» — فیلم دیگر بی‌هاشمی که در همین جشنواره نشان داده شد — نشان می‌دهد، با این تفاوت که در «مهرت» نوآوری فنی‌تری برای آن چهره‌ایکند است و همان‌جا که در «دوست» از دست می‌رود احساس می‌شود و این «نوآوری» به لطف یک لحن بیانی تلخ و انگیزنده و زوگی اصلی کارهای بی‌هاشمی است — که حتی در نخستین اثر مستند او «ازخواست» نیز ظن را می‌نماید. «مهرت» با یک سکانس «پیش از تیراژ» که از ریم حساب شده‌ای بهره‌ور است — و این در فیلمهای ۸ میلیمتری از موارد نادر است — آغاز می‌شود. در این فیلم نیز باز فضائی از یک محیط خشک و بی‌انگیز و فقر زمینجویی می‌بینیم و بخصوص آنکه در انتخاب «لوکیشن» ما نیز کجکاوئی خاصی به کار رفته — که این باید از ویژگیهای کار هر فیلمساز ۸ میلیمتری فارغ از بدی باشد. فیلم، قه‌رعه به‌صورت یکمست است و یک زیارت می‌باشد و یک «آثار خط رسیده» که اینها هم‌چنین و



حسن بی‌هاشمی، حسن هایدات لکی در بازگشت «مهرت»



● یک نمای دور از «صحرای» برنده مجسمه زرین جشنواره



● بهنام جعفری (پشت دوربین) در حال فیلمبرداری نمایی از «ارتفاع متروک» ... برنده مجسمه سیمین جشنواره



● درویش حیاتی یک صحنه از فیلم «الانهای در خانه» - برنده مجسمه پرتز جشنواره - را فیلمبرداری می‌کند.

اگر جایزه نخست جشنواره را هم می‌بود، تعجبی بر نمی‌انگیخت. «ارتفاع متروک» چهره نازم‌ای از «بهنام جعفری» به‌عنوان فیلمساز با دریافت‌های قوی عاطفی نشان می‌دهد. «ارتفاع متروک» برپه گدازه دریا انگیزی است که در یک دنیای سرد و خالی سروده می‌شود. آن‌های اصلی فیلم یک جوان ثروتمند زن و یک پسر مرده هستند که هر دو از طریق کارهای تکیه می‌کنند، معرفی می‌شوند. کارهای این هر دو پیوسته می‌نمایند. پسر مرد در آغاز پسر جوان را تحویل نمی‌گیرد، ولی زمانی که شیپور زن جوان خود را بداند می‌زند، پسر مرد نام از احساس قلبی خود، برای زنده نگه داشتن یاد او، روی ارتفاع یک ساختمان متروک می‌رود و در شیپور جوان از دسترنجه می‌زند. اما هرگز نمی‌تواند آفریننده آن نوای محزونی باشد که پسر جوان می‌آفرید، حرف فیلم نیز همین است. آواز جوان مهم است تا آواز لکر پسر جوان چنان می‌بواخت، این حسایت او بود، این حرف او بود و «آواز» وجود او ... و اینهمه را پسر مرد دیگر ندانده، شاید هیچوقت ندانسته.

«صفت گرجی» بازیگر نشان پسر مرد است و عناصر حسین نقش جایزه بهترین بازیگر جشنواره را نیز بود. احمد امینی هم نقش جوان ثروتمند زن را بازی می‌کند، که ما ترجیح می‌دادیم - بخصوص با توجه به آرمان‌های سینمای آزاد - جایزه بهترین بازیگر را به او می‌دادند و با دست کم به یک بازیگر جوان دیگر. چرا که لاف‌باز سینمای آزاد، مدیون سینماگران سال گذشته نیست، که از راه‌های نامحسوس در ادای دین بکوشند. به‌رحال «ارتفاع متروک» جز آنکه نسبت به مایه داستانی خود، اندکی طولانی می‌نماید (طول زمانی فیلم ۸۸ دقیقه است) نفس چشمگیری نشان می‌دهد و باید آری در شمار فیلم‌های یاد ماندنی سینمای ۸ میلیمتری به‌حساب آورد.

● مجسمه پرتز جشنواره را فیلمی از یک سینماگر آماتور جنوبی به اسم «درویش حیاتی» برد، فیلمی به‌نام «الانهای در خانه» که بازم همان فضای آشنای نواحی غیررشته‌نشین جنوب را دارد و چندین صحنه محسوس و ملموس ورزیده، و بویک درونمایه عاطفی، و موسیقی آشنایی که از چند فیلم فارسی (ویژه‌تر از موسیقی فیلم «طلوع») اقتباس شده و آری با محسوس به‌صورتی برانگیزنده.

حسوه‌های سینمای آزاد تا این‌جای کار چهره‌های نرختار از خود نشان داده‌اند، به‌جز حسین بی‌فانسی که در صدر این گروه است، طرف یکی دو ساله اخیر آماتورهای متعددی از حلقه جنوب سینمای آزاد درخشیده‌اند. کسانی مثل «گیاوش حیاتی» که سال گذشته لوح زرین جشنواره را برود و اسامی هم فیلمی به‌نام «خانه» به فستیوال عرضه کرده بود (که جایزه بهترین فیلمبرداری را گرفت)، درویش حیاتی و محمد جوانفرد که فیلمی به‌نام «هرات» از وی دیدیم. این فیلم ۹۰ دقیقه‌ای، نمایشی از پسر بی‌بهره یک سرچینه بود در میان‌های متروک و امیدوار آن حلقه یک حالت بخت‌گشنگانه در تمامی لحظات فیلم بود.

● متناسفانه در این فضای اندک، مجال بررسی همه فیلم‌های نمایش داده شده در جشنواره نیست، تنها می‌توانیم به‌اختصار از چند فیلم با ارزش‌تر جشنواره نام ببریم.

«عینک» ساخته عباس برهیدی برپایان نوشته‌ای از جواد محاسبی - معارضه‌های آمیخته به یک طنز واقع‌گرایانه بین یک مرد با روزهایی ثلاثی یک نویسنده و عینکش؟

«تعبیه ۳۶» (ساخته فرهاد پورعظمی، تجربه‌های شبی در فرم، تئلیق و هماهنگی مناسب عناصر بصری، با درونمایه‌ای تکرار انگیز و دخترکی که موبین‌کارتی فیلم‌های آنتونینو را به‌پند می‌آورد).

«سابقه» (ساخته فیروز گوهری، در سایه کار سابق این سینماگر «در آن‌یک» که با اعتماد فرم گویا و مناسبی، سابقات ورزشی را یکپارچه پیوسته کاری به‌ظاهر می‌ربانند).

«کوچ و هراج» (ساخته هرمزد باغی‌زاده، فیلم‌هایی برخوردار از پایه درمنه ۳۶

سلامت و نشاط فراوان با شیر و شیرکائو پاستوریزه

پاک

تهیه شده از شیر تازه گاو



شیر و شیرکائو پاستوریزه

تهیه شده در کارخانجات لبنیات پاستوریزه پاک

پاک